

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

هیچ معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

محمد رسول و فرستاده خداست.

رَبِّيَ اللَّهُ.

معبود من خداست.

أَنَا أَعْبُدُ رَبِّي.

من خدا را می‌پرستم.

أَنَا أَحِبُّ رَبِّي.

من خدا را دوست دارم.

س ۱: معبود تو کیست؟

ج: معبود من خداست.

س ۲: چه کسی تو را آفریده است؟

ج: خداوند من و تمامی مردم را آفریده است.

س ۳: چه کسی شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است؟

ج: خداوند شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است.

س ۴: چه کسی زمینی که ما بر روی آن راه می‌رویم آفریده است؟

ج: خدا زمینی که ما بر روی آن راه می‌رویم آفریده است.

س ۵: چه کسی دریاها را آفریده، و رودها را جاری کرده است؟

ج: خدا دریاها را آفریده و رودها را جاری کرده است.

س ۶: چه کسی باران را از آسمان فرود می‌آورد؟

ج: خداوند باران را از آسمان فرود می‌آورد.

س ۷: چه کسی درختها را آفرید و میوه‌ها را از آن خارج نمود؟

ج: خداوند درختان را آفرید و میوه ها را از آن خارج نمود.

أَنَا أَعْبُدُ اللَّهَ.

من خدا را می پرستم.

أَنَا أَحِبُّ اللَّهَ.

من خدا را دوست دارم.

اللَّهُ خَلَقَ النَّاسَ لِعِبَادَتِهِ وَطَاعَتِهِ.

خداوند مردم را برای عبادت و اطاعت از خود آفریده است.

عِبَادَةُ اللَّهِ وَطَاعَتُهُ وَاجِبَةٌ عَلَى جَمِيعِ النَّاسِ.

عبادت خدا و طاعت او بر تمامی مردم واجب است.

س ۱: دین تو چیست؟

ج: دین من اسلام است.

س ۲: اسلام یعنی چه؟

ج: اسلام یعنی یگانه پرستی و اطاعت از خدا و ترک آنچه مخالف امر اوست.

س ۳: اساس اسلام چیست؟

ج: اساس آن گواهی دادن به اینکه هیچ معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا، و محمد ﷺ فرستاده خداست.

س ۴: چرا ما وقتی اذان را می شنویم همه بسوی نماز برمی خیزیم.

ج: چون نماز رکنی از ارکان اسلام است، و انسان مسلمان نخواهد بود مگر با ادای نماز.

س ۵: پیامبری که خدا او را بسوی ما فرستاد کیست؟

ج: محمد ﷺ پیامبری است که خدا او را بسوی ما فرستاد.

س ۶: چرا خداوند محمد ﷺ را بسوی تمامی مردم فرستاد؟

ج: خداوند او را فرستاد تا اینکه دین اسلام را به مردم بیاموزد.

س ۷: محمد ﷺ به چه چیز دعوت می کند؟

ج: محمد ﷺ به عبادت خدای یکتا و ترک عبادت غیر از خدا دعوت می کند.

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ رَسُولًا وَنَبِيًّا.

به پروردگاری خدا، و دیانت اسلام، و پیامبری محمد ﷺ خشنودم.

بر ما واجب است سه اصل و قاعده اسلام را بشناسیم: شناخت خداوند متعال، و دین اسلام، و رسول الله

اصل و قاعده اول: شناخت خدا:

۱ - معبود من خداوندی است که آفریننده و مالک و مدبر همه چیز است، چنانکه می‌فرماید: [الزمر: آیه ۶۲].

[خداوند آفریننده همه چیزهاست].

۲ - معبودم را با نشانه‌ها و دلایل و مخلوقات او می‌شناسم، خداوند می‌فرماید: [فصلت: آیه ۳۷]

[و از جمله نشانه‌های خدا خلقت شب و روز و خورشید و ماه است].

۳ - خدا او معبود مستحق به عبادت است، او یکتاست و هیچ شریکی ندارد، چنان که می‌فرماید: [البقره: آیه ۲۱].

[ای مردم خدایی را بپرستید که آفریننده شما، و آنانی که پیش از شما بودند، باشد، تا این که پرهیزگار شوید].

س ۱: چرا خداوند تو را آفرید؟

ج: مرا آفرید تا او را عبادت کنم، همان طور که می‌فرماید [الذاریات: آیه ۵۶].

جن انس را نیافریدم مگر برای عبادت کردن من].

س ۲: عبادت او چیست؟

ج: عبادت او یگانه (یکتا) دانستن او و اطاعت از اوست.

س ۳: لا إله إلا الله یعنی چه؟

ج: یعنی هیچ معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا.

اصل و قاعده دوم: شناخت دین:

۱ - اسلام یعنی: یگانه دانستن خدا، و طاعت از او، و ترک آنچه مخالف امر اوست، چنان که می‌فرماید: [النساء: آیه ۱۲۵].

[و کدام دین بهتر از آن است که مردم خود را تسلیم حکم خدا نموده، (و سر زیر بار فرمان خدا آورند) و هم نیکوکار باشند].

۲ - اسلام دینی است که خدا به آن برای همه مردم راضی و خشنود شده است، خداوند می‌فرماید: [مائده: آیه ۳].

[و بهترین آیین که اسلام است برایتان برگزیدم].

۳ - اسلام دین خیر، و خوبی، و سعادت، و سرور است، خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۱۱۲].

[آری هر کسی که نیکوکارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نباید آنان

اندوهگین شوند].

س ۱: ارکان اسلام چند تا و چیست؟

ج: ارکان اسلام پنج تا است که عبارتند از:

۱ - گواهی دادن که خدایی بحق نیست مگر خدای یکتا، و محمد فرستاده اوست.

۲ - به جا آوردن نماز.

۳ - دادن زکات.

۴ - روزه ماه (مبارک) رمضان.

۵ - حج خانه خدا با وجود استطاعت.

اصل و قاعده سوم: شناخت پیامبر □:

۱ - پیامبر من محمد بن عبدالله □ است.

۲ - خداوند محمد □ را به سوی تمامی مردم فرستاده تا دین اسلام را به آنها بیاموزد.

۳ - طاعت پیامبر □ بر من واجب است، خداوند می‌فرماید: [الحشر: آیه ۷].

[و آنچه رسول به شما دستور داد، بگیرید، و هر چه نهی کند واگذارید].

اصول عقیده ما سه چیز است:

شناخت خدا، و دین، و پیامبر.

اصل اول: شناخت خداوند سبحان:

۱ - خدای ما خالق آسمان ها و زمین است، چنان که می‌فرماید: [الأعراف: آیه ۵۴].

[پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید].

۲ - خداوند انسان را آفرید، و او را در چهره ای خوب آفرید، و می‌فرماید: [التین: آیه ۴].

[ما انسان را در بهترین رخسار آفریدیم].

[خدا امر جهان را به بهترین و کاملترین نظم از آسمانها و زمین تدبیر می‌کند].

[جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت خود].

[پس هر کس از راه کفر (و سرکشی) برگردد، و به راه ایمان (و پرستش) خدا روی آورد، بر رشته محکم (و استواری) چنگ زده

است].

۶ - عروه الوثقی (ریسمان ناگسستگی) لا إله إلا الله است، یعنی: هیچ معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا.

اصل وقاعده دوم: شناخت دین اسلام:

[هر کس غیر از اسلام دینی دیگر اختیار کند، (هرگز) از وی پذیرفته نمی‌شود].

۲ - مراتب دین اسلامی سه چیز است:

۳ - اسلام یعنی: تسلیم خداوند یگانه شدن، و به طاعت او گردن نهادن، و دوری از شرک و اهل آن.

۴ - ایمان: ایمان آوردن به خدا، و فرشتگان خدا، و کتابهای خدا، و پیامبران خدا، و روز آخرت، و قضا و قدر و خیر و شر آن.

۵ - احسان: پرستش خدا چنان که او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی یقین بدار که او تو را می‌بیند.

اصل و قاعده سوم: شناخت پیامبرمان محمد □:

۱ - او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی بهترین پیامبران و خاتم انبیاست.

۲ - پیامبرمان این دین را به ما رساند و ما را به هر عمل و کردار نیک امر فرمود، و از هر شر و بدی ما را نهی کرد.

[به راستی برای شما (مسلمانان)، رسول خدا □ سرمشقی نیکوست].

۴ - تقدیم محبت پیامبر بر محبت مادران و پدران و تمامی مردم بر ما واجب است، رسول الله □ می‌فرماید: ((لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ

أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)). بخاری و مسلم.

ایمان هیچ یک از شما کامل نمی‌شود تا اینکه من نزد او از پدر و فرزند و تمامی مردم محبوبتر باشم.

و محبت او، پیروی از او، و انجام فرمان اوست.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

گواهی می‌دهم که خدایی بحق نیست مگر خدای یکتا.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

و گواهی می‌دهم که محمد □ رسول خداست.

۱ - معنای شهادت آن لا إله إلا الله: معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا.

۲ - عبادت: عبادت شامل تمام آن سخنان و کارهایی است که خداوند آن را دوست دارد.

۳ - عبادت انواع زیادی دارد که بعضی از آن عبارتند از:

دعا، ترس، توکل، نماز، ذکر، فرمان پدر و مادر، و غیر از این‌ها.

[پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت کنم، آنان که از عبادت من کبر می‌ورزند با خواری به جهنم در می‌آیند].

[پس اگر مؤمن هستید از آنان (شیاطین) مترسید، و از من بترسید].

و دلیل توکل: خداوند می‌فرماید: [المائدة: آیه ۲۳].

[و اگر مؤمنین هستید (باید که) بر خدا توکل کنید].

و دلیل نماز: خداوند می‌فرماید: [الروم: آیه ۳۱].

[و نماز بگذارید و از مشرکان نباشید].

و دلیل ذکر: خداوند می‌فرماید: [الأحزاب: آیه ۴۱].

[ای مؤمنان، خداوند را به یاد کردن بسیار، یاد (و ذکر) کنید].

و دلیل فرمان پدر و مادر: خداوند می‌فرماید: [الأحقاف: آیه ۱۵].

[و به انسان در باره پدر و مادرش به نیکوکاری سفارش کرده ایم].

۴ - انجام تمامی عبادت‌ها برای خداست، پس هر کس چیزی از این عبادت‌ها برای غیر از خدا انجام دهد کافر است، و خداوند می‌فرماید: [المؤمنون: آیه ۱۱۷].

[و هر کس با خداوند معبود دیگری را (به نیایش) بخواند که هیچ دلیلی به (حقانیت) آن ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش است، بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند].

۵ - خداوند جن و انس را آفرید تا فقط او را پرستش کنند، چنان که می‌فرماید:

[جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا بندگی کنند].

۶ - کسی که فقط خدا را به طور یقین پرستش کند سعادت عظیم و سروری بزرگ و زندگی خوب خواهد یافت، خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۹۷].

[هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم].

۱ - معنای شهادت آن محمداً رسول الله: تصدیق او از آنچه به ما خبر داده، و طاعت او در آنچه امر فرموده، و اجتناب و دوری از آنچه از آن نهی کرده، و این که خدا پرستش نشود مگر به آنچه شرع کرده است.

۲ - نام پیامبر ما: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی، او بهترین نسب در عرب دارد.

۳ - خداوند محمد □ را برای همه مردم فرستاده است، و طاعت او را بر همه مردم واجب نموده است، خداوند می‌فرماید: [الأعراف: آیه ۱۵۸].

[بگو ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم].

۴ - پیامبر □ در مکه مکرمه زندگی کرد و به توحید و پرستش خدای یکتا دعوت نمود، سپس به مدینه منوره هجرت فرمود، و به بقیه احکام دین اسلام مانند زکات و روزه و جهاد و غیر از این‌ها امر فرمود.

و در مدینه در حالی که (۶۳) شصت و سه سال داشت از دنیا رحلت فرمود.

۵ - هر کس با اوامر پیامبر □ مخالفت کند مستحق عذاب شدید است، خداوند می‌فرماید: [النور: آیه ۶۳].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار می‌کنند بر حذر باشند که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبان گیرشان شود].

۶- هر کس از پیامبر □ اطاعت کند سعادت کامل و پیروزی بزرگ نصیب او خواهد شد، خداوند می‌فرماید: [آل عمران: آیه ۱۳۲].

[و از خداوند و رسول (او) فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید].

و هم چنین می‌فرماید: [النور: آیه ۵۴].

[و اگر از او فرمان برید، راه خواهید یافت].

انواع توحید:

توحید یعنی چه؟

یکتا دانستن خدا در ربوبیت و الوهیت و کامل بودن اسماء و صفات خدا را توحید گویند.

توحید بر سه نوع تقسیم می‌شود:

توحید ربوبیت، توحید الوهیت، توحید اسماء و صفات.

۱- توحید ربوبیت: عبارت است از توحید افعال خدا: یعنی معتقد بودن به این که همه چیز مانند: آفریدن، روزی دادن، تدبیر امور

کردن، زنده کردن، میراندن، و مانند آن از جانب خداست.

و هیچ آفریننده ای نیست مگر خدا، چنان که می‌فرماید: [الزمر: آیه ۶۲].

[خداوند آفریننده همه چیز است].

و روزی دهنده ای نیست مگر خدا، همان طوری که می‌فرماید: [هود: آیه ۶].

[و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی‌اش بر (عهده) خداوند است].

و هیچ کس تدبیر امور خلاق را نمی‌کند مگر خدا، و می‌فرماید: [السجده: آیه ۵].

[کار (هستی) را از آسمان (گرفته) تا زمین تدبیر می‌کند].

و هیچ کس زنده نمی‌کند، و نمی‌میراند مگر خدا، چنان که می‌فرماید: [یونس: آیه ۵۶].

[او زنده می‌کند و می‌میراند، و به سوی او بازگردانده می‌شوید].

به این توحید کفار قریش در زمان رسول الله □ اعتراف کردند، ولی با این حال این اعترافشان آنان را به دین اسلام وارد نمود،

چنان که خداوند می‌فرماید: [لقمان: آیه ۲۵].

[و اگر از آنان بررسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید، به یقین گویند: خداوند].

۲- توحید الوهیت عبارت است از: توحید افعال و اعمال بندگان خدا که به آن امر شده اند، و تمامی عبادت‌ها که بندگان انجام

می‌دهند برای خدای یکتاست که شریکی ندارد، مانند: دعا، ترس، توکل، یاری، مدد، و غیر از این‌ها.

یا می‌گوییم: (توحید خدای متعال است که افعال و اعمال بندگان را بیان می‌کند).

غیر از خدا کسی دیگر را نمی‌خوانیم، و می‌فرماید: [غافر: آیه ۶۰].

[و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت کنم].

و غیر از خدا کسی دیگر را نمی‌پرستیم، همان طوری که می‌فرماید: [آل عمران: آیه ۱۷۵].

[پس اگر ایمان دارید، از آنان (اولیای شیطان) مترسید و از من بترسید].

به جز خدا بر کسی دیگر توکل نمی‌کنیم، و خدا می‌فرماید: [المائدة: آیه ۲۳].

[و اگر مؤمن هستید (باید که) بر خدا توکل کنید].

و غیر از خدا از کسی دیگر یاری نمی‌طلبیم، همان طوری که می‌فرماید: [الفاتحه: آیه ۵].

[تنها تو را بندگی می‌کنیم، و تنها از تو یاری می‌جوییم].

از کسی غیر از خدا مدد نمی‌خواهیم، چنان که می‌فرماید: [الناس: آیه ۱].

[بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم].

این توحید است که پیامبران آن را آورده اند، خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۳۶].

[به یقین در (میان) هر امتی رسولی برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید].

و این توحیدی است که کفار در زمان قدیم و جدید آن را انکار کرده اند، و می‌فرماید: [ص: آیه ۵].

[آیا (همه) معبودان را یک معبود قرار داده است؟ بی‌گمان این چیزی شگفت است].

۳ - توحید اسماء و صفات: ایمان آوردن به آنچه در قرآن کریم از احادیث صحیح نبوی از اسماء و صفات خدا آمده و آن را به خود

توصیف نموده، یا رسول او به طور حقیقت خدا را توصیف فرموده است، و اسما الله بسیار است که بعضی از آن عبارتند از: بخشنده،

شنوا، بینا، عزیز، حکیم (دارای حکمت). خداوند می‌فرماید: [الشوری: آیه ۱۱].

[چیزی مانند او نیست، و او شنوای بیناست].

صفت کامیابان و رستگاران:

خداوند می‌فرماید: [العصر: آیات ۱-۳].

[سوگند به زمان، که انسان در زیانکاری است، مگر آنان که ایمان آورده و کردار شایسته کرده اند و همدیگر را به حق سفارش، و

همدیگر را به شکیبایی توصیه کرده اند].

خداوند به زمان سوگند خورد که انسان در زیان و هلاکت است، مگر کسی که چهار صفت را داشته باشد:

۱ - ایمان: شناخت خدا و پیامبر خدا و دین اسلام را ایمان گویند.

۲ - عمل صالح: مانند نماز و زکات و روزه و راستگویی و فرمان پدر و مادر.

۳ - سفارش به حق: دعوت به سوی ایمان و عمل صالح و تشویق در آن.

۴ - سفارش به صبر: صبر و شکیبایی بر فعل طاعت، و صبر هنگام وقوع مصیبت ها و بلاها.

آنچه با توحید منافات و مخالف است:

۱ - اولین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب کرد، ایمان به خدا و کفر به طاغوت است، خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۳۶].

[به یقین در (میان) هر امتی رسولی برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید].

۲ - معنای طاغوت: هر چیز و هر کس که به غیر از خدا عبادت شود، و او به آن عبادت راضی باشد.

۳ - چگونگی کفر به طاغوت: معتقد بودن به این که عبادت غیر از خدا باطل است، و ترک آن و بغض آن، و کسی که چنین می‌کند

او را کافر دانستن و با او دشمنی کردن.

۴ - شرک ضد توحید است: پس توحید یگانه دانستن خدا در عبادت، و شرک انجام یکی از عبادتها برای غیر از خدا، مانند این که

غیر از خدا را بخواند، یا این که برای غیر از خدا سجده کند.

۵ - شرک بزرگترین و عظیم‌ترین گناهان است، خداوند می‌فرماید: [النساء: آیه ۱۱۶].

[خداوند نمی‌بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را (شرک) برای هر کس که بخواهد، می‌آمرزد].

شرک تمامی طاعت ها را باطل کرده موجب ماندن در آتش جهنم و عدم دخول بهشت می‌شود، خداوند می‌فرماید: [الأنعام: آیه ۸۸].

[و اگر شرک می‌ورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از (نامه اعمال) آنان زوده می‌شد].

و می‌فرماید: [المائدة: آیه ۷۲].

[بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است].

۶ - کفر با توحید منافات دارد، پس کفر سخنان و کارهای است که انجام دهنده آن را، از توحید و ایمان خارج می‌کند.

و مثال کفر: مسخره کردن به خدا، یا به آیات قرآن، یا به رسول الله ﷺ، همان طوری که خداوند می‌فرماید: [التوبه: آیات

۶۵، ۶۶].

[بگو: آیا به خدا، و آیات او، و رسولش ریشخند می‌کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان، کفر پیشه کردید].

۷ - نفاق با توحید منافات دارد، پس نفاق: اظهار کردن توحید و ایمان برای مردم، و پنهان کردن شرک و کفر در قلب و دل خود

است.

مثال نفاق: آن که با زبان به خدا ایمان آورد و کفر را پنهان نماید، چنان که خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۸].

[و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: به خدا و به روز بازپسین ایمان آورده ایم، حال آن که مؤمن نیستند].

یعنی با زبانشان می‌گویند ما به خدا ایمان آوردیم، ولی درحقیقت با قلب و دل خود مؤمن نیستند.

معنای ایمان به روز آخرت: ایمان راسخ و بدون تردید به وقوع آن روز است.

پس هر یک از ما ایمان می‌آورد که خداوند مردم را از قبرها حشر می‌کند سپس کارهای آنان را محاسبه می‌کند، و مطابق با کارهایشان آنها را مجازات می‌کند، تا آنکه اهل بهشت در منازل خود، و اهل دوزخ در منازل خود مستقر شوند.

و ایمان به روز آخرت یکی از ارکان ایمان است که بدون آن ایمان شخص کامل نمی‌شود.

و ایمان به روز آخرت شامل سه چیز است:

۱ - ایمان به برانگیختن و حشر:

آن هم زنده شدن مردگان از قبرهایشان و برگشتن روح به اجساد، پس مردم برای خدا برمی‌خیزند، سپس آنها را در یک جا جمع می‌کند، در حالیکه برهنه و چیزی در پا ندارند، و عریان و چیزی در تن ندارند، و ختنه نشده اند.

دلیل برانگیختن، خداوند می‌فرماید: [المؤمنون: آیات ۱۵-۱۶].

[سپس شما پس از این خواهید مرد، آنگاه قطعاً شما روز قیامت برانگیخته شوید].

و دلیل حشر، رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((يَحْشُرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاءَ عُرَاءَ غُرْلًا)). متفق علیه.

روز قیامت مردم در حالی که پابرنه و عریان و ختنه نشده اند حشر می‌شوند.

۲ - ایمان به حساب و ترازوی اعمال:

خداوند مردم را مطابق با اعمالی که در دنیا انجام داده اند می‌سنجد، پس هر کس از اهل توحید و فرمانبردار خدا و رسول خدا بود، حساب او آسان است.

و هر کس از اهل شرک و معصیت بود، حساب او دشوار است.

و اعمال را در ترازوی عظیمی وزن می‌کنند، حسنات و نیکی‌ها در یک کفه ترازو، و گناهان در کفه دیگر گذاشته می‌شود، و هر

کس حسنات و نیکی‌هایش بر گناهانش برتری گرفته و سنگین تر شد، او از اهل بهشت است، و هر کس گناهانش بر نیکی‌هایش برتری گرفت، او از اهل آتش است.

و دلیل حساب، خداوند می‌فرماید: [الانشقاق: آیه های ۷-۱۲].

[پس اما کسی که نامه (کردارش) به دست راستش داده شود، (به زودی) به حسابی آسان محاسبه می‌شود. و شادمان به سوی

خانواده اش برمی‌گردد. و اما کسی که نامه (کردارش) از پشت سر به او داده شود. نابودی را خواهد طلبید. و به دوزخ در می‌آید].

و دلیل ترازوی اعمال خداوند می‌فرماید: [الأنبياء: آیه ۴۷].

[و در روز قیامت ترازوهای عدل را در میان نهیم، و کسی هیچ ستمی نبیند، و اگر (عمل نیک و بد هر شخص) هم وزن دانه خردلی باشد، حساب می‌آوریم، و ما حسابرسی را کفایت می‌کنیم].

۳ - بهشت و دوزخ:

بهشت خانه همیشگی است، خداوند آن را برای مؤمنان متقی و مطیع خدا و رسولش آماده کرده است، در آن تمامی انواع نعمت‌های دائمی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و تمامی انواع دوستداشتنی‌ها وجود دارد.

ولی دوزخ خانه عذاب همیشگی است، خداوند آن را برای کافرانی که به خدا کافر شدند و رسولش را معصیت کردند آماده ساخته است، در آن انواع عذاب و دردها و عقوبت‌ها که به فکر نمی‌آید وجود دارد.

دلیل بهشت خداوند می‌فرماید: [آل عمران: آیه ۱۳۳].

[و به سوی آمرزشی از (جانب) پروردگارتان و بهشتی که پهنایش (هم چون) آسمان‌ها و زمین است (و) برای پرهیزگاران فراهم دیده شده است، بشتابید].

هم چنین می‌فرماید: [السجده: آیه ۱۷].

[پس هیچ کس نمی‌داند که از آنچه مایه روشنی چشم است، چه چیزی برایشان نهان داشته شده است، به (پاس) آنچه می‌کردند (پاداش یافتند)].

اما دلیل دوزخ خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۲۴].

[پس از آتشی بپرهیزید که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود. و برای کافران آماده شده است].

و هم چنین می‌فرماید: [المزمل: آیات ۱۲-۱۳].

[بی‌گمان نزد ما غل و زنجیر و عذاب و آتش دوزخ افروخته هست. و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک].

خدایا ما از تو بهشت و آنچه به آن نزدیک می‌کند از قول و عمل می‌خواهیم، و از دوزخ و آنچه ما را به آن از قول و عمل نزدیک می‌کند به تو پناه می‌بریم.

مقدمه ای در عقیده اسلامی و اهمیت آن.

دین اسلامی عقیده و شریعت است.

اما عقیده و مقصود آن: اموری که نفس به آن تصدیق می‌کند و قلب به آن اطمینان پیدا می‌کند، و آن به طور یقین خواهد بود که هیچ شک و تردیدی در آن نیست.

شریعت: یعنی انجام کارهایی که اسلام به آن دعوت کرده است مانند: نماز و زکات و روزه و فرمان پدر و مادر و غیر از این‌ها.

اساس عقیده اسلامی عبارتند از: ایمان به خدا، و فرشتگان و کتاب های خدا، و پیامبران خدا و روز آخرت و ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن.

و دلیل بر آن خداوند می فرماید: [البقره: آیه ۱۷۷].

[آن که روی پاهایتان را به مشرق و مغرب آرید، نیکی نیست، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد].

و دلیل بر قضا و قدر، خداوند می فرماید: [القمر: آیه ۴۹-۵۰].

[بی گمان ما هر چیزی را به اندازه مقرر آفریده ایم. و حکم ما مانند چشم به هم زدنی جز یک کلمه نیست].

و رسول اکرم □ می فرماید: ((الإيمان أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره)). مسلم.

ایمان عبارت است از این که: به خدا و فرشتگان خدا و کتاب ها و فرستادگان خدا و روز قیامت و به سرنوشت و خیر و شر آن ایمان بیاوری.

اهمیت عقیده اسلامی

اهمیت عقیده اسلامی از انجام امور بسیاری آشکار می شود که بعضی از آن ها عبارتند از:

۱ - حاجت ما به این عقیده بیشتر از حاجت هر چیز دیگری است، و ضرورت ما به این عقیده نیز بیشتر از همه ضرورت هاست، زیرا هیچ سعادت برای قلب ها و هیچ نعمت و سروری نیست مگر به این که خدا و آفریننده دل ها را پرستش کرد.

۲ - عقیده اسلامی عظیم ترین واجبات و مسلم ترین آن هاست، به همین سبب آن اولین چیزی است که مردم به آن مطالبه و درخواست می شوند، چنان که رسول الله □ می فرماید: ((أمرت أن أقاتل الناس حتى يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله)). متفق علیه.

به من امر شد تا با مردم بجنگم تا این که گواهی دهند که هیچ معبودی به حق جز خدای یکتا نیست و محمد □ فرستاده خداست.

۳ - این که عقیده اسلامی یگانه و تنها عقیده ای است که امن و استقرار و سعادت و سرور را محقق می سازد، چنان که خداوند می فرماید: [البقره: آیه ۱۱۲].

[آری، هر کسی که نیکوکارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند].

چنان که عقیده اسلامی تنها عقیده ای است که تندرستی و عافیت و ناز و نعمت را محقق می سازد، خداوند می فرماید: [الأعراف: آیه ۹۶].

[و اگر اهل (آن) شهرها ایمان می‌آوردند و پروا داشتند، قطعاً از آسمان و زمین (در) برکت‌هایی را بر آنان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به (سزای) آنچه می‌کردند، آنان را فرو گرفتیم].

۴ - عقیده اسلامی سبب نفوذ در زمین و استواری دولت اسلام می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [الأنبياء: آیه ۱۰۵].

[ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب (انبیاء پیشین) نوشته ایم که بی‌گمان (سراسر روی) زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد].
ایمان به خداوند عز و جل:

معنای ایمان به خدای عز و جل: گواهی راستین به وجود او و اقرار به ربوبیت و الوهیت و اسما و صفات اوست.

پس ایمان به خدا متضمن و شامل چهار چیز است:

۱ - ایمان به وجود خداوند سبحان و تعالی .

۲ - ایمان به ربوبیت خدای متعال .

۳ - ایمان به الوهیت خداوند متعال .

۴ - ایمان به اسما و صفات خداوند متعال .

و به طور کامل در باره این چهار چیز سخن می‌گوییم:

الف - ایمان به وجود خداوند متعال:

اقرار به وجود خداوند متعال امری فطری و طبیعی در انسان است، و بیشتر مردم به وجود خدا معترفند و هیچ کس در آن مخالفت نکرده مگر عده کمی از ملاحده و کفار بی‌دین.

و هر مخلوقی فطرت و طبیعت خود را بدون هیچ تعلیم و آموزش به خالق خود نسبی می‌دهد، و ما می‌شنویم و می‌بینیم اجابت دعا و درخواست مردم به طور یقین دلالت بر وجود خداوند متعال دارد، خداوند می‌فرماید: [الأنفال: آیه ۹].

[آنگاه که از پروردگارتان کمک می‌خواستید، پس (دعای) شما را پذیرفت].

ب - نزد همه معلوم است که حادثه و پیشامد بایستی خالق و آفریننده ای داشته باشد، و این مخلوقات زیاد، و آنچه ما در همه وقت آن را مشاهده می‌کنیم بایستی خالق و آفریننده ای داشته باشد، آن هم خداوند عز و جل است، زیرا ممکن نیست که آفریده شده باشد بدون این که کسی آن را آفریده باشد، زیرا هیچ چیز خود را نمی‌آفریند .

خداوند می‌فرماید: [الطور: آیه ۳۵].

[آیا بی‌آفریدگار آفریده شده اند؟ یا این که خود آفرینندگانند؟].

و معنای آیه کریمه: یعنی بدون آفرینش خلق نشده اند و خودشان هم خود را نی‌آفریده اند، پس معلوم می‌شود که خالق و آفریننده آنها خداوند تبارک و تعالی است .

ج - نظم و ترتیب این جهان از آسمان و زمین و ستارگان و درختان دلالت یقین می‌دهد، که این دنیا یک آفریننده دارد و آن هم خداوند پاک و منزّه است، چنانکه می‌فرماید: [النمل: آیه ۸۸].

[آفرینش آن خدائی است که همه چیز را در کمال استواری پدید آورده است، بی‌گمان او از آنچه می‌کنید، باخبر است].

پس این جهان و ستارگان - به طور مثال - بر یک نظام ثابت در گردش اند و هیچ بهم نمی‌خورند، و مختل نمی‌شوند، و هر ستاره در محل معین در گردش است که با دیگری تجاوز نمی‌کند، خداوند می‌فرماید: [یس: آیه ۴۰].

[نه آفتاب را می‌رسد که ماه را دریابد، و نه شب پیشی گیرنده از روز است، و هر یک در آسمانی سیر می‌کنند].

۲ - ایمان به ربوبیت خدای تعالی:

۱ - معنای ایمان به ربوبیت خدای تعالی: اقرار به این که خدا رب و معبود همه چیز و مالک و آفریننده و رازق آن است، و اوست که زنده می‌کند، و می‌میراند، و اوست که نفع و زیان می‌رساند، و تمامی کارها برای اوست، و خیر در دست اوست، و بر همه چیز قادر و تواناست، و در همه این‌ها هیچ شریکی برای او نیست.

ایمان به ربوبیت خدا: گواه لازم به اینکه خداوند سبحان اوست رب و معبود، که هیچ شریکی ندارد، و عبادت فقط برای اوست، و این معتقد باشد که خداوند یکتا فقط اوست، خالق و آفریننده آنچه در جهان هستی است، و می‌فرماید: [الزمر: آیه ۶۲].

[خداوند آفریننده همه چیز است].

و این که اوست روزی دهند تمامی آفرینش، و می‌فرماید: [هود: آیه ۶].

[و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن که روزی‌اش بر (عهده) خداوند است].

و اینکه او مالک همه چیزهاست، همان طوری که می‌فرماید: [المائدة: آیه ۱۲۰].

[فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن خداوند است].

ب - خداوند یکتایی خود را بر تمامی خلق مقرر نموده است، و می‌فرماید: [الفاتحه: آیه ۲].

[ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان].

و معنای رب العالمین: یعنی خالق و مالک و اصلاح کننده و پرورش دهنده آنها به انواع نعمتها و فضایل.

ج - ایمان به ربوبیت خدا در فطرت و سرشت خلق است، حتی مشرکین عرب در زمان پیامبر چنین بودند، و خداوند می‌فرماید:

[المؤمنون: آیات ۸۶-۸۹].

[بگو: پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و پروردگار عرش بزرگ چه کسی است؟ خواهند گفت: (همه) از آن خداوند هستند، بگو: آیا پروا

نمی‌دارید؟ بگو: چه کسی است که ملکوت هر چیز به دست اوست، و اوست که امان می‌دهد، و (بر خلاف امان) او (به کسی) امان

داده نمی‌شود، اگر می‌دانید (بگویید)، خواهند گفت: (همه آنها) از آن خداوند است، بگو: پس از کجا فریب داده می‌شوید؟] () .

ایمان به ربوبیت خدا برای وارد شدن به اسلام کافی نیست، بلکه باید به الوهیت خدا نیز ایمان آورد، چون رسول الله ﷺ با مشرکین عرب جنگید با این که به ربوبیت خدا اقرار داشتند .

د - تمامی جهان هستی از آسمان و زمین و کوهها و ستارگان و درختان و انس و جن همه مطیع و فرمانبردار خدایند، چنان که می‌فرماید: [آل عمران: آیه ۸۳].

[کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، خواه و ناخواه فرمانبردار او شده اند، و به سوی او برگردانده می‌شوند].

پس هیچ مخلوق از قدر و سرنوشت خدا نمی‌تواند بیرون رود، چون خداوند مالک و متصرف در آنهاست آن چنان که حکمت اوست، و او آفریننده تمامی آنهاست، و هر چه غیر از خدا، مخلوق فقیر و محتاج به آفریننده اش می‌باشد .

هـ - اگر ثابت و مقرر شد که برای خدا همه امرهاست، و خالقی غیر از خدا نیست، و روزی دهنده ای غیر از خدا نیست، و برای جهان تدبیر کننده ای غیر از خدا نیست، و هیچ ذره ای به حرکت در نمی‌آید مگر با اجازه او، این موجب می‌شود که قلب ها را به او متصل سازیم، و از او بخواهیم، و نیازمندی‌های ما به سوی او باشد، و اعتماد ما بر او باشد، پس او سبحانه خالق و رازق و مالک ماست.

۳ - ایمان الوهیت خدای تعالی:

الف - معنای ایمان به الوهیت خدای تعالی: گواه صادق این که فقط خدای یگانه مستحق تمامی انواع عبادت های ظاهر و باطن(نهان) است، مانند: دعا، ترس، توکل، یاری، نماز، زکات و روزه .

پس بنده به طور یقین می‌داند که خدا معبود اوست، و هیچ شریکی ندارد، و هیچ معبود به حقی جز خدای یکتا نیست، خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۱۶۳].

[و معبودتان، معبود یگانه است، معبود (راستینی) جز او نیست، بخشاینده مهربان است].

پس به ما خبر داده که الله یک معبود است، یعنی معبود یگانه و یکتا، و جایز نیست کسی غیر از او را به عبادت گرفت، و غیر از او کسی دیگر پرستش نمی‌شود.

ب - ایمان به الوهیت خدا:

اعتراف کنیم به این که فقط خدا إله و معبود به حق است که شریکی ندارد، و إله یعنی: معبود، دوست داشتن و تعظیم کردن ما،

انجام تمامی عبادت ما، فقط برای اوست، پس غیر از او، کسی دیگر را نمی‌خوانیم، و غیر از او، از کسی نمی‌ترسیم، و غیر از او، به

کسی دیگر توکل نمی‌کنیم، و برای کسی دیگر سجده نمی‌کنیم، و اطاعت و خضوع نمی‌کنیم مگر برای او، پس هیچ کس مستحق

عبادت نیست مگر خدای سبحانه، تحقیق بر آیه کریمه که می‌فرماید: [الفاتحه: آیه ۵].

[تنها تو را بندگی می‌کنیم، و تنها از تو یاری می‌جوئیم].

ج - اهمیت ایمان به الوهیت خدای تعالی:

اهمیت ایمان به الوهیت خدای تعالی از ضمن بعضی از عبارات زیر واضح می‌شود:

۱ - مقصود از خلق جن و انس عبادت خدای یکتائی که شریکی ندارد می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [الذاریات: آیه ۵۶].

[و جن و انس را نیافریده ام مگر برای آنکه مرا بندگی کنند].

۲ - مقصود از ارسال پیامبران علیهم السلام و نازل کردن کتابهای آسمانی، اقرار به اینکه خدا معبود حق است، خداوند می‌فرماید:

[النحل: آیه ۳۶].

[و به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید].

۳ - اولین واجب بر هر شخص ایمان به الوهیت خدای تعالی، چنانکه در سفارش و وصیت پیامبر □ به معاذ بن جبل هنگام فرستادن

او بسوی یمن آمده که به او چنین فرمودند: ((إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)).

متفق علیه.

تو بر مردمی خواهی آمد که اهل کتاب هستند، یعنی یهود و نصاری می‌باشند، پس اولین چیزی که تو آنها را به دین اسلام دعوت

کنی این است که: هیچ معبودی بحق غیر از خدای یکتا وجود ندارد .

یعنی آنها را دعوت کن تا تمامی عبادت را فقط برای خدای یکتا قرار دهند .

د - معنای لا إله إلا الله:

این کلمه عظیم و بزرگ اولین واجب بر هر شخص می‌باشد، همچنانکه آخرین واجب بر هر شخص است، پس هر کس بر این کلمه

بمیرد از اهل بهشت است، چنانکه رسول الله □ می‌فرماید: ((مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ)). مسلم.

هر کس بمیرد و بداند که هیچ معبودی به حق نیست مگر خدای یکتا، به بهشت داخل می‌شود .

بنابراین وجوب دانستن و معرفت لا إله إلا الله از بزرگترین و عظیم ترین و مهم ترین واجبات است.

و معنای لا إله إلا الله: هیچ معبودی بحق نیست مگر خدای یکتا.

نفی تمامی صفات خدا از غیر خدای تعالی، و اثبات آن برای خدا یکتائی که شریک ندارد .

پس معنای إله: معبود، و هر کس چیزی را پرستید او را معبود خود به غیر از خدا دانسته، و تمامی اینها باطل است مگر خدای یکتا و

یگانه .

و خدای تعالی اوست اله و معبودی که دلها با محبت و اجلال و تعظیم و فروتنی و خضوع و ترس و توکل بر او، و طلب دعا از او، او

را عبادت می‌کند .

و برای دلها سرور و سعادت نیست مگر با تحقیق معنای لا اله الا الله، زیرا سرور کامل و زندگی خوب و نعمت در انجام عبادت برای خدای یکتاست .

هـ - ارکان لا اله الا الله:

برای این کلمه عظیم دو رکن است: نفی و اثبات.

رکن اول: (لا اله) نفی عبادت از غیر خدا، و باطل کردن شرک، و واجب بودن کفر به تمامی آنچه غیر از خدا عبادت می‌شود .

رکن دوم: (الا الله) اثبات عبادت برای خدای یکتا، و انجام تمامی انواع عبادت برای خدای یگانه.

و دلیل این خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۲۵۶].

[پس هر کس که به عبادت طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، (بداند) که به دستاویزی (بس) محکم چنگ زده است].

پس قول: (فمن يكفر بالطاغوت) معنای رکن اول، (لا اله)، و قول: (ويؤمن بالله) معنای رکن دوم (الا الله) را دارد.

و - شروط لا اله الا الله:

بایستی در شهادت و گواهی لا اله الا الله هفت شرط باشد که قائل آن بدون جمع شدن این هفت شرط نفعی نمی‌برد:

۱ - علم و معرفت به معنای لا اله الا الله، چنانکه خداوند می‌فرماید: [محمد: آیه ۱۹].

[پس بدان که معبود (حقی) جز خدا نیست].

۲ - یقین: اینکه قائل آن یقین کامل داشته باشد در آنچه بر آن دلالت می‌کند، پس اگر در آنچه بر آن دلالت می‌کند شک و تردید

داشته باشد این کلمه به او نفعی نمی‌رساند، خداوند می‌فرماید: [الحجرات: آیه ۱۵].

[بدون شک مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان بخدای یکتا و پیغمبرش آوردند سپس شکی در دل خود راه نداده اند].

۳ - قبول به آنچه این کلمه بر آن دلالت دارد از عبادت خدای یکتا و ترک عبادت غیر از خدا، پس هر کس این کلمه را بگوید ولی

عبادت خدای یکتا را قبول نداشته باشد، مانند کسانی است که خداوند در باره آنها چنین فرموده است: [الصفات: آیات ۳۵-۳۶].

[آنان (چنان) بودند که چون به آنان گفته می‌شد: معبود به حقی جز خداوند (یگانه) نیست، سرکشی می‌کردند، و می‌گفتند: آیا ما

معبودان خویش را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترک گوئیم؟].

۴ - تسلیم شدن به آنچه بر آن دلالت دارد، خداوند می‌فرماید: [لقمان: آیه ۲۲].

[و هر کس نیکوکارانه روی (دل) خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی محکم چنگ زده است].

و معنای (یسلم وجهه) یعنی: تسلیم فرمان او شود.

و (العروة الوثقى) یعنی: (لا اله الا الله).

۵ - راستی: و آن هم گفتن این کلمه از قلب خود به طور راستی و صدق، رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النَّارِ)). [متفق علیه].

هر کس گواهی دهد که معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و محمد بنده و فرستاده خداست، و این گواهی صادقانه و از قلب او باشد، به طور یقین خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌گرداند.

۶ - اخلاص: آن هم پاک و خالص کردن تمامی عمل از انواع شرک، و این که با سخن خود قصد به دست آوردن چیزهای دنیایی کند، رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يُبْتَغَى بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ)). [متفق علیه].
هر آینه خداوند حرام کرده بر آتش کسی که بگوید: معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و با این سخن خود رضا و خشنودی خداوند را بخواهد.

۷ - دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد، و دوست داشتن کسی که به این کلمه عمل نماید، خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۱۶۵].

[و از مردم کسانی هستند که همتیانی را (برای او) برمی‌گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا، دوست می‌دارند - و مؤمنان در دوستی خدا قوی‌ترند -].

پس مؤمنان (اهل لا اله الا الله) با خدا دوستی خالص دارند، و اهل شرک (مشرکان) شرک می‌آورند و با خدا معبودات دیگر را دوست دارند، و این با معنای لا اله الا الله منافات دارد .
ز - معنای عبادت:

عبادت: اسمی جامع و کامل برای آنچه خدا آن را دوست دارد و از آن راضی است، از سخنان و کارهای نهانی و آشکار مانند: محبت خدا و رسول خدا ﷺ و ترس از خدا و توکل بر خدا و سؤال و پرسش خدا و نماز و زکات و اطاعت پدر و مادر و ذکر خدای تعالی و جهاد با کفار و منافقین و غیر از اینها.

پس انواع عبادت بسیار است که شامل انواع طاعات می‌شود، مانند: تلاوت قرآن و نیکی به فقرا و محتاجین و راستگویی و امانت داری و سخن و گفتار خوب و نیک.

و عبادت شامل تمامی کارهای مؤمن می‌شود، اگر به آن نیت کند که با آن به خدا نزدیک شود .

و حتی اگر در خوردن و آشامیدن یا خوابیدن به قصد طاعت خدا انجام دهد، بر آن اجر و پاداش خواهد برد.

پس این عادت ها با نیت و قصد نیک و صالح به عبادت تبدیل می‌شود و بر آن اجر و پاداش می‌برد، و عبادت مخصوص اعمالی معروف مانند نماز و روزه و مانند آن نیست .

ح - عبادت است که خدا خلایق را به سبب آن آفریده است، خداوند می‌فرماید: [الذاریات: آیات ۵۶-۵۸].

[او جن و انس را جز برای آن که مرا بندگی کنند نیافریده ام، از آنان هیچ روزی‌ای نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که به من خوراک بدهند، خداوند است که روزی دهنده است (همان) توانمند استوار].

پس خداوند سبحان خبر داده که حکمت از خلق جن و انس انجام عبادت است، و خداوند به عبادت آنها نیازی ندارد، بلکه آنها به عبادت خداوند نیازمندند، به سبب نیازمند بودن شان به سوی خدای تعالی.

نیاز بنده به خدا که او را عبادت کند، و به او هیچ شرک نیاورد، بیشتر و عظیم تر است از نیاز آنها به آب و غذا. قلب اگر مزه عبادت خدای تعالی و خلوص را چشید، هیچ چیز نزد او شیرین تر از عبادت و لذیذتر و بهتر از آن نیست. و هیچ کس از درد دنیا و مشکلات آن رها نمی‌شود مگر با قرار گرفتن در حلقه بندگی خدای تعالی.

ط - ارکان عبادت:

عبادتی که خدا به آن امر فرموده دو رکن دارد:

۱ - کمال ذلت و ترس .

۲ - کمال محبت .

پس عبادتی که خداوند بر بندگانش فرض نموده باید با کمال ذلت و خواری و خضوع و ترس از او باشد، با کمال محبت و نهایت و اوج آن و رغبت و میل و امید به او سبحانه باشد .

محبت بدون ترس و ذلت و خواری، مانند دوست داشتن خوراک و مال، عبادت نیست .

هم چنین ترس بدون محبت، مانند ترس از حیوان درنده، عبادت به شمار نمی‌رود، هرگاه ترس و محبت در یک کار با هم جمع شود عبادت گفته می‌شود، و عبادت صحیح نیست مگر برای خدای یکتا.

ی - توحید سبب قبول عبادت است:

عبادتی که خداوند به آن امر کرده، عبادت گفته نمی‌شود مگر با توحید خدا، پس عبادت با شرک درست نیست، و به هیچ کس

صفت بندگی خدا داده نمی‌شود مگر با تحقیق توحید، و انجام عبادت برای خدای یگانه، پس هر کس خدا را عبادت کرد و در عبادت کسی دیگر را شریک قرار داد، بنده خدا نیست.

پس توحید خدا و اخلاص عبادت برای او و عدم شرک به او در قبول عبادت نزد خدا شرط است، افزون بر این که عبادت قبول

نمی‌شود مگر با مطابق بودن آن با شرع و سنت پیامبر □ .

پس شرطهای عملی که نزد خدا مورد قبول است دو چیز می‌باشد:

۱ - این که غیر از خدا هیچ کس دیگر را پرستش نکند که: به آن توحید گفته می‌شود .

۲ - این که عبادت نکند مگر بر وفق و مطابق امر خدا که به آن پیروی از رسول الله ﷺ گفته می‌شود، و خداوند می‌فرماید:
[البقره: آیه ۱۱۲].

[آری، هر کس که نیکوکارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند].

(أسلم وجهه) یعنی به حقیقت توحید پی بردن و عبادت را خالص برای خدا انجام دادن .
(وهو محسن) یعنی از رسول الله ﷺ پیروی کردن .

ک - شرک: شرک مخالف با ایمان به الوهیت خدای یکتاست، و اگر ایمان به الوهیت خدای یکتا و انجام عبادت برای خدای یگانه از مهمترین و عظیم ترین واجبات است.

پس شرک بزرگترین گناهان و معصیت ها نزد خدا به شمار می‌رود، و آن گناهی است که خداوند آن را نمی‌بخشد، چنان که فرمودند:

[النساء: آیه ۴۸].

[به راستی خداوند (آن را) که به او شرک آورده شود، نمی‌بخشد، و جز آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد].

و هم چنین می‌فرماید: [لقمان: آیه ۱۳].

[به راستی که شرک ستمی بزرگ است].

و وقتی از رسول الله ﷺ پرسیده شد: چه گناهی بزرگ است فرمود: ((أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ)).
متفق علیه .

این که به خدا شرک آوری در حالی که او آفریننده تو است .

و شرک طاعات را فاسد و باطل می‌گرداند، چنان که خداوند می‌فرماید: [الأنعام: آیه ۸۸].

[و اگر شرک می‌ورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از (نامه اعمال) آنان زوده می‌شد].

و شرک موجب می‌شود که صاحب آن در آتش جهنم ماندگار و باقی بماند، خداوند می‌فرماید: [المائدة: آیه ۷۲].

[بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است].

شرک بر دو نوع تقسیم می‌شود:

شرک اکبر، و شرک اصغر:

شرک اکبر: انجام یکی از عبادت ها برای غیر از خدا را شرک اکبر گویند، پس هر قول یا عمل که خدا آن را دوست دارد انجام آن

برای خدا توحید و ایمان، و برای غیر از خدا شرک و کفر به شمار می‌رود .

مثال: خواستن رزق و یا تندرستی از غیر خدا، و یا توکل بر غیر خدا، و یا سجده برای غیر خدا شرک است، خداوند می‌فرماید: [غافر: آیه ۶۰].

[و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت کنم].

و هم چنین می‌فرماید: [المائدة: آیه ۲۳].

[و اگر ایمان دارید (باید که) بر خدا توکل کنید].

و هم چنین می‌فرماید: [النجم: آیه ۶۲].

[پس برای خداوند سجده کنید و (او را) بندگی کنید].

پس اگر دعا و توکل و سجده از عباداتی است که خدا به آن امر نموده، پس اگر برای خدا انجام شود، موحد و مؤمن است، و اگر برای غیر از خدا انجام شود، مشرک و کافر است .

و شرک اصغر: هر قول یا عملی که وسیله ای به سوی شرک اکبر باشد و راهی در وقوع آن باشد، شرک اصغر گفته می‌شود .

مانند: تبدیل قبرها به مساجد، به این که نزد قبرها نماز بخواند، و یا بر قبرها مسجد بنا کند و این حرام است، و صاحب آن به لعنت و دور بودن از رحمت خدا وعده داده شده است، چنان که رسول الله ﷺ فرمودند: ((لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدًا)). متفق علیه.

لعنت بر یهود و نصاری باد که قبرهای پیامبران خود را به مساجد تبدیل کرده اند .

پس تبدیل قبرها به مساجد حرام است، و وسیله ای برای طلب دعا از مردگان و درخواست نیازها از آنان می‌باشد، و دعای مردگان شرک اکبر به شمار می‌رود .

۴ - ایمان به اسما و صفات خدا:

الف - ثابت کردن نامها و صفاتی که خدا آن را بر خود و یا در سنت پیامبر ﷺ وارد شده بر وجه شایسته به خدای تعالی .

و او سبحانه در اسما و صفات مثل و مانند ندارد، چنان که می‌فرماید: [الشوری: آیه ۱۱].

[آفریننده آسمان ها و زمین است، از خودتان برای شما همسرانی قرار داده است، و (نیز) از چارپایان اقسامی (آفریده است) با این (تدبیر) تعداد شما را بسیار می‌گرداند، چیزی مانند او نیست، و او شنوای بیناست].

پس خداوند متعال از مثل و مانند احدی از مخلوقات خود در تمامی اسما و صفات پاک و منزّه است.

و اسما خداوند بسیار است که بعضی از آن عبارتند از:

رحمان (بخشاینده) بصیر(بینا) عزیز(گرامی و ارجمند)، خداوند می‌فرماید: [الفاتحه: آیه ۳].

[بخشاینده مهربان].

و می‌فرماید: [الشوری: آیه ۱۱].

[و او شنوای بیناست].

و می‌فرماید:

[لقمان: آیه ۹].

[و او پیروزمندِ فرزانه است].

ب - نتیجه ایمان به اسما و صفات خدا:

از نتایج ایمان به اسما و صفات خدا عبارتند از:

۱ - شناخت خدا: پس کسی که به اسما و صفات خدا ایمان آورد، شناخت او به خدا بیشتر خواهد بود، بنابر این به طور یقین ایمان او به خدا بیشتر، و توحید او محکم تر خواهد شد .

۲ - سپاس و ستایش خدا به وسیله اسما و نامهای خوب او، و این از بهترین انواع ذکر خداست، همان طوری که می‌فرماید:

[الأحزاب: آیه ۴۱].

[ای مؤمنان، خداوند را به یاد کردن بسیار یاد کنید].

۳ - دعای خدا با اسما و صفات او، چنان که می‌فرماید: [الأعراف: آیه ۱۸۰].

[و خداوند نامهای نیک دارد، پس به آن (نامها) او را به (دعا) بخوانید].

مانند این که بگوید: ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ الرَّزَّاقُ فَارْزُقْنِي...)).

خدایا می‌دانم که رازق و روزی دهنده تو هستی پس مرا روزی بده .

۴ - از نتایج ایمان به اسما و صفات خدا: سعادت و زندگی خوب در دنیا و نعمت بهشت در آخرت .

آثار و نتیجه ایمان به خدای تعالی:

ایمان بخدای تعالی آثار و نتایج خوبی در دنیا و آخرت دارد، خیرها و کاری نیکو دنیا و آخرت و دفع شر و بلا همه از نتایج همین

ایمان است .

و بعضی از آثار و نتایج ایمان بخدا چنین است:

۱ - این که خدا تمامی رنج ها و سختی‌ها را از مؤمنین دور می‌کند، و از گناهان، آنها را باز می‌دارد، و از دسیسه های دشمن آنها را

حفظ می‌دارد، و می‌فرماید: [الحج: آیه ۳۸].

[خداوند از مؤمنان دفاع می‌کند (و به سبب ایمانشان پیروزشان می‌گرداند)].

۲ - ایمان سبب زندگی خوب و سعادت و سرور است، خداوند می‌فرماید:

[هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم].

۳ - ایمان نفس را از خرافات پاک می‌گرداند، پس کسی که به حقیقت به خدا ایمان آورد تمام کارهای خود را به خدا موکول کرده، زیرا او رب العالمین است، اوست معبود حقی که غیر از او معبودی به حق نیست، پس از مخلوق نمی‌ترسد، و قلب خود را به دیگری وابسته نمی‌سازد، و در نتیجه از خرافات و اوهام و خیالات خود را آزاد می‌گرداند.

۴ - و از نتایج ایمان پیروی و نجات و رسیدن به هر خواسته شده و مطلوب و تندرستی از هر ترساننده، چنان که خداوند در باره مؤمنان می‌فرماید: [البقره: آیه ۵].

[اینان کسانی هستند (استوار) بر هدایت از (سوی) پروردگارشان، و اینان هستند که رستگارند].

۵ - و از عظیم‌ترین نتایج ایمان، به دست آوردن رضا و خشنودی خدای تعالی، و داخل شدن به بهشت، و به دست آوردن نعمتهای همیشگی، و رحمت کامل خداوندی است.

ایمان به فرشتگان:

الف - معنای ایمان به فرشتگان: گواه راسخ به وجود فرشتگان، و این که نوعی از مخلوقات خدایند، خداوند می‌فرماید: [الانبیاء: آیات ۲۶-۲۷].

[بلکه (آن فرشتگان) بندگانی گرامی‌اند، در هیچ سخنی بر او پیشی نمی‌گیرند، و آنان به فرمان او کار می‌کنند].

و ایمان به فرشتگان متضمن چهار چیز است:

۱ - ایمان به وجود آنها .

۲ - ایمان به آنان که نام آنها را می‌دانیم، مانند: جبریل □، و آنان که نام آنها را نمی‌دانیم به طور اجمال ایمان می‌آوریم .

۳ - ایمان به آنچه از صفات آنها را می‌دانیم .

۴ - ایمان به آنچه از اعمالی که به امر خدا آن را انجام می‌دهند، مانند تسبیح و عبادت خدا در شبانه روز بدون خستگی و سستی و بی حالی .

ایمان به فرشتگان رکنی از ارکان ایمان است، خداوند می‌فرماید: [البقره: آیه ۲۸۵].

[رسول (خدا) به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او فروفرستاده شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (هم) هر یک به خداوند و

فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش ایمان آورده اند].

و رسول الله □ در باره ایمان می‌فرماید: ((أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)). مسلم.

ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و فرشتگان خدا و کتاب های خدا و پیامبران خدا و روز آخرت، و به قضا و قدر خیر و شر آن .
ب - صفت فرشتگان:

رسول اکرم □ از صفات خلقت آنها خبر داده که از نور آفریده شده اند، چنان که می فرماید: ((خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ...)). مسلم .
فرشتگان از نور آفریده شده اند .

و خداوند خبر داده که برای فرشتگان بال هایی قرار داده که تعداد آن بال ها متفاوت هستند، و می فرماید: [فاطر: آیه ۱].

[ستایش خدای راست، پدید آورنده آسمان ها و زمین، (کسی که) فرشتگان را پیام آوران داری بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه گرداند، هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، خداوند بر هر کاری تواناست].

و پیامبر □ جبریل □ را دید که ششصد بال دارد. متفق علیه .

و ممکن است که فرشته به قدرت خدا به مردی تبدیل شود، چنان که جبریل □ در حال ارسال او به سوی مردم به شکل بشر در

آمد، و همچنین فرشتگانی که خدا آنها را به سوی ابراهیم و لوط علیهما السلام فرستاده به شکل مردی در آمده بودند .

فرشتگان عالم غیبی است، و آفریده شده اند تا خدا را عبادت کنند، و هیچ صفات ربوبیت و الوهیت ندارند، بلکه بندگانی مطیع و

فرمانبردار خدایند، چنان که خداوند سبحانه در باره آن ها می فرماید [التحریم: آیه ۶].

[خداوند را در آنچه به آنان فرمان دهد، نافرمانی نکنند، و آنچه را که فرمان می یابند، انجام می دهند].

آنان از دستورات خدا سرپیچی نمی کنند و به فرمان او عمل می کنند.

ج - انواع فرشتگان و اعمال و کردار آنها:

برای فرشتگان اعمالی است که در این دنیا آن را انجام می دهند و آنها بر چند نوع تقسیم می شوند، و برای هر نوع عمل معینی است، و از آن جمله:

۱ - فرشته ای است که مأمور وحی به سوی پیامبران می باشد، آن هم جبریل □ .

۲ - فرشته ای است که مأمور به نزول باران و سوق آن می باشد .

۳ - فرشته ای است که مأمور در نفخ صور (شیپور)، و آن هم اسرافیل □ است .

۴ - مأمور به قبض ارواح، و آن هم (ملک الموت) و یاران اویند .

۵ - مأموران به حفظ و نگهداری عمل بندگان و نوشتن آن اعمال خوب و بد آنها، آن هم (الکرام الکاتبون) می باشند .

۶ - مأموران به حفظ و نگهداری بنده هنگام مقیم بودن و در حال مسافرت و خواب و بیداری و در تمامی احوال، آن هم (المعقبات)

هستند .

و از آنها: نگهبان دوزخ، و نگهبان آتش، و فرشتگانی هستند که در گردش اند و مجالس خیر و ذکر را دنبال می‌کنند، و از آنها مأموران به کوه‌ها هستند، و از آنها فرشتگانی‌اند که به صف ایستاده و خسته نمی‌شوند، و هیچ کس تعداد سربازان خدا را نمی‌داند.

د - نشانه و تأثیر و نتایج ایمان به فرشتگان:

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی مؤمن دارد که از جمله چنین است:

- ۱ - علم و دانش به عظمت خدا، و قوت او، و کمال قدرت او، زیرا عظمت مخلوق دلالت بر عظمت خالق دارد، پس مؤمن تقدیر و تعظیم او بر خدا بیشتر می‌شود، در حالی که خدا فرشتگانی که دارای بال هستند از نور می‌آفریند.
- ۲ - استقامت و پایداری بر طاعت خدای تعالی، پس هر کس ایمان بیاورد که فرشتگان تمامی اعمال او را می‌نویسند این موجب ترس او از خدای تعالی می‌شود، و در آشکار و نهان او را معصیت نمی‌کند.
- ۳ - صبر بر طاعت خدا و احساس به انس و آرامش وقتی که مؤمن یقین پیدا کند که در این دنیای بزرگ هزارها فرشته همراه اوست، که به طور کامل و بهترین حال و شأن اطاعت خدا می‌کنند.
- ۴ - سپاس برای خدای تعالی به خاطر عنایت خود به بنی‌آدم، و در حالی که فرشتگان را قرار داده تا آنها را حفظ و نگهداری کنند و آنها را حمایت نمایند.
- ۵ - آگاهی به این که این دنیا فانی است و باقی نخواهد ماند، وقتی فرشته مرگ را به یاد می‌آورد که برای قبض روح آمده، بنابر این برای روز آخرت با ایمان به آن، و انجام عمل صالح و نیک خود را آماده می‌کند.

ایمان به کتاب‌های آسمانی:

- الف - معنای ایمان به کتاب‌ها: گواه صادق به این که خداوند کتاب‌هایی به وسیله پیامبران برای بندگان خود فرستاد، و این که این کتاب‌ها کلام خداست که در آن به طور حقیقت سخن گفته، چنان که به او لایق است، و این که این کتاب‌ها در آن نور و حق و هدایت مردم به سوی دنیا و آخرت است.
- و ایمان به کتاب‌ها شامل سه چیز می‌شود:
- ۱ - ایمان به این که به طور یقین خدا آن را نازل فرموده است.
 - ۲ - ایمان به آنچه خدا نام آن را آورده مانند: قرآن کریم که بر پیامبرمان محمد ﷺ، و تورات که آن را بر موسی ﷺ، و انجیل که آن را بر عیسی ﷺ نازل فرموده است.
 - ۳ - گواهی راستین به آنچه از اخبار آن صحیح است مانند اخبار قرآن.
- و ایمان به کتاب‌ها یکی از ارکان ایمان است، چنان که خداوند می‌فرماید: [النساء: آیه ۱۳۶].

[ای مؤمنان، به خدا و رسولش و آن کتابی که بر رسولش فرو فرستاده، و آن کتابی که پیش از این نازل کرده است، ایمان آرید].

پس خداوند امر فرمود تا به پیامبرش و کتابش که بر پیامبرش نازل فرموده، و آن هم قرآن است ایمان آورد، چنان که امر فرمود تا به کتاب های نازل شده قبل از قرآن نیز ایمان آورد.

و رسول الله ﷺ در باره ایمان فرمودند: ((أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)). مسلم.

ایمان عبارت است از: ایمان آوردن به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبران خدا و روز آخرت و ایمان به قضا و قدر خیر و شر آن .
ب - مزایای قرآن کریم:

قرآن کریم، کلام الله است که بر پیامبر ما و محمد ﷺ نازل شده است، بنابر این مؤمن این کتاب را مورد تعظیم قرار می‌دهد، و سعی و کوشش می‌کند تا به احکام آن چنگ زده و آن را تلاوت و مورد اندیشه قرار دهد .

و کافی است که این قرآن هدایت کننده ما در دنیاست، و سبب پیروزی ما در آخرت می‌باشد .

و برای قرآن کریم مزایای بسیار و ویژگی‌های متعددی است که از کتاب های آسمانی گذشته برتری گرفته است که از جمله:

۱ - این که قرآن کریم متضمن خلاصه ای از احکام الهی است، و مؤید و مصدق آنچه در کتابهای سابق از عبادت خدای یکتا آمده می‌باشد .

خداوند می‌فرماید: [المائدة: آیه ۴۸].

[و (این) کتاب را به راستی (و) تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم است به تو نازل کردیم].

یعنی این قرآن تصدیق کننده آنچه در کتابهای سابق از وحی صحیح آمده می‌باشد .

(و) مهمیماً علیه) امین و مورد اطمینان و شاهد و گواه کتابهای سابق است .

۲ - تمسک بر قرآن عظیم بر تمامی مردم واجب است، و پیروی از آن، و عمل به آن، بر تمامی خلائق مقرر است، به خلاف کتابهای

سابق که برای اقوام معینی بوده است، خداوند می‌فرماید: [الأنعام: آیه ۱۹].

[و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما را و کسی را که (پیامش) به او برسد، بیم دهم].

۳ - این که خداوند متعال عهده دار و ضامن به حفظ این قرآن شده است، و دست تحریف به آن نرسیده و نخواهد رسید، چنان که می‌فرماید: [الحجر: آیه ۹].

[بی‌گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم].

ج - وظیفه ما در برابر قرآن:

اگر بعضی از برتری‌های عظیم، و ویژگی بی‌مانند و گرانبه‌های این قرآن کریم را شناختیم، وظیفه ما در برابر قرآن چیست؟

دوست داشتن قرآن و تعظیم قدر و احترام آن بر ما واجب است، زیرا که آن کلام خداوند عز وجل است و آن صادق ترین و بهترین سخنان می باشد .

تلاوت و خواندن با تدبر آیات و سوره های قرآن و اندیشه در اندرزهای آن و اخبار و قصص آن بر ما واجب است .

پیروی از احکام و اطاعت از اوامر و آداب آن بر ما واجب است، از عایشه رضی الله عنها از خُلق پیامبر □ پرسیدند در جواب گفت: ((كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ)). مسلم. خُلق و خوی او قرآن بود .

معنای حدیث: رسول الله □ احکام قرآن و دستورات آن را در معرض عمل قرار می داد، و کمال پیروی از هدایت قرآن را بجا آورده است، بنابر این اقتدا و پیروی از رسول الله □ بر ما واجب می شود، و اوست بهترین پیشوای برای هر یک از ما، همان طوری که خداوند می فرماید: [الأحزاب: آیه ۲۱].

[به راستی برای شما، برای کسی که (پاداش) خداوند و روز قیامت را امید می دارد و خداوند را بسیار یاد می کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست].

د - تحریف کتاب های آسمانی گذشته:

خداوند در قرآن کریم به ما خبر داده که اهل کتاب از یهود و نصاری کتاب های خود را تحریف کرده اند و به صورتی که خدا آن را نازل کرده نیست .

یهودیان تورات را تحریف و تبدیل و تغییر دادند و در احکام آن بازی کردند، و خداوند می فرماید: [النساء: آیه ۴۶].

[گروهی] از یهود هستند که کلمات را از جایگاهشان تغییر می دهند].

هم چنان نصاری احکام انجیل را تبدیل و تحریف نمودند، خداوند در باره نصاری می فرماید: [آل عمران: آیه ۷۸].

[و بی شک از آنان (اهل کتاب) گروهی هستند که در (خواندن) کتاب زبان به تحریف می گشایند تا آن (تحریفاتشان) را از کتاب (آسمانی) بیندارید، حال آن که، آن از کتاب نیست، و می گویند: آن از نزد خدا است، در حالی که آن از نزد خدا نمی باشد، و (دیده) و دانسته بر خداوند دروغ می بندند].

پس توراتی که در حال حاضر وجود دارد، نه آن توراتی است که بر موسی □ نازل شده، و هم چنین انجیل حاضر نه آن انجیلی است که بر عیسی □ نازل شده است .

تورات و انجیلی که در دست اهل کتاب است شامل عقاید فاسد و اخبار باطل و قصه های دروغین می باشد، پس ما آن را تصدیق نمی کنیم مگر آنچه قرآن و یا سنت صحیح پیامبر □ آن را تصدیق کرده است، و آنچه قرآن و سنت آن را تکذیب کرده، آن را تکذیب می کنیم .

ه - آثار و نتایج ایمان به کتاب های آسمانی:

ایمان به کتاب های آسمانی نتایج و آثار متعددی دارد که از جمله آن:

۱ - علم و دانش به عنایت خدا به بندگان خود و کمال رحمت و شفقت او به آنها، در حالی که برای هر قومی کتابی فرستاده تا با آن هدایت شوند، و سعادت دنیا و آخرت رابه دست آورند .

۲ - علم و دانش به حکمت خدا در شرع: برای هر قوم آیینی آورده که مناسب احوال و مورد علاقه اشخاص آنها بوده است، چنان که می فرماید: [المائده: آیه ۴۸].

[برای هر یک از شما شریعت و راهی قرار داده ایم].

۳ - شکر و سپاس برای خدا که این نعمت یعنی کتاب ها را فرستاده است، زیرا این کتاب ها نوری در دنیا و آخرت است، به همین سبب مقرر می شود که ما سپاس خدا را بر این نعمت عظیم به جا آوریم .

ایمان به پیامبران:

الف - احتیاج مردم به رسالت:

رسالت برای بندگان ضروری است، و بایستی برای آنها رسالتی باشد و احتیاج آنها به رسالت، برتر و بالاتر بر هر احتیاج و نیاز دیگری است، و رسالت روح عالم است، و نور زندگی است، پس چه صلاح و خیری در عالم خواهد بود، اگر روح و زندگی و نور آن از بین برود .

و دنیا تاریک است مگر با طلوع خورشید رسالت، و هیچ راهی برای سعادت و پیروزی دنیا و آخرت، و در شناخت خوب و بد به طور کامل نیست مگر از طریق پیامبران .

و خداوند رسالت را روح نامیده است، و اگر روح از بین رفت زندگی متلاشی شده از بین می رود، خداوند می فرماید: [الشوری: آیه ۵۲].

[و هم چنین (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به تو وحی کردیم، (تو قبل از وحی) نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست، ولی آن (وحی) را نوری گردانده ایم، با آن هر کس از بندگانمان را که می خواهیم هدایت می کنیم].

و ایمان به پیامبران یکی از ارکان ایمان است، خداوند می فرماید: [البقره: آیه ۲۸۵].

[رسول (خدا) به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او فرود فرستاده شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (هم) هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش ایمان آورده اند].

پس آیه کریمه دلالت دارد بر این که ایمان به تمامی پیامبران واجب است بدون فرق گذاشتن بین آنها، نه مانند یهود و نصاری: به بعضی از آنها ایمان آوریم و به بعضی دیگر کافر شویم .

رسول الله ﷺ در باره ایمان می فرماید: ((أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)). مسلم.

ایمان عبارت است از این که: به خدا و فرشتگان خدا و کتاب ها و فرستادگان خدا و روز قیامت و به سرنوشت خیر و شر آن ایمان بیاوری.

در حقیقت دولت هایی که خود را کشورهای پیشرفته می‌دانند این رنج ها و درد سرها و بدبختی‌های آنها از انواع اضطراب و حزن و اندوه و بدبختی و جدایی، سبب آن روی گرداندن ها و پشت کردن ها از رسالات آسمانی است .

ب - معنای ایمان به پیامبران:

گواه راستین به این که خدا در هر امت پیامبری از خود آنها فرستاده تا آنان را به سوی عبادت خدای یکتا دعوت نماید .

و این که همه پیامبران در آنچه می‌گویند صادق هستند، و خدا با فضل خود آنها را راستگو شناخته، و با تقوا و امین هستند، و مردم را به سوی حق هدایت می‌کنند، و خود نیز هدایت شده اند، و تمامی آنچه خدا برای آنها فرستاده به مردم تبلیغ کرده اند، و هیچ چیز را پنهان نکرده و تغییر نداده اند، و از نزد خود حرفی به آن افزون نکرده، و از آن نکاسته اند، خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۳۵].

[پس آیا بر (عهده) رسولان جز رساندن آشکار (مسئولیتی دیگر) هست؟].

و این که تمامی انبیا بر حق آشکار و در بین مردم بودند، و دعوت آن ها همه به سوی عقیده توحید است، خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۳۶].

[و به یقین در (میان) هر امتی رسولی برانگیختیم (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید].

و ممکن است دین انبیا در فروع از حلال و حرام اختلاف پیدا کند، خداوند می‌فرماید: [المائدة: آیه ۴۸].

[برای هر یک از شما شریعت و راهی قرار داده ایم].

و ایمان به پیامبران در بر دارنده چهار چیز است:

۱ - ایمان به این که رسالت انبیا از سوی خدا حق است، و هر کس به یکی از رسالت ها کافر شود مانند اینکه به تمامی رسالات کافر شده است.

۲ - ایمان به تمامی کسانی که خدا نام آنها را آورده مانند محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و نوح علیهم السلام، اما به پیامبرانی که نامشان را نمی‌دانیم نیز ایمان آورده، احترام می‌گذاریم.

۳ - گواهی دادن به آنچه از اخبار پیامبران به طور صحیح آمده است .

۴ - عمل به دستورات پیامبری که به سوی ما فرستاده شده، و این که او برترین و خاتم انبیا محمد □ است .

ج - تعریف نبی و رسول:

نبی در لغت: خبر دهنده، گرفته شده از نبأ و آن هم به معنی خبر است، پس نبی خبر دهنده از طرف خداست، یا گرفته شده از نبوت،

آن هم یعنی هر چه از زمین فاصله و بلندی پیدا کند، پس نبی شریفترین مردم و بلندترین قدر و منزلت نزد مردم است .

اما تعریف اصطلاحی: انسان آزاد ذکر است که خداوند او را برگزیده و او را به تبلیغ وحی اختصاص داده است .

و رسول در لغت: کسی که پیروی اخبار فرستادگان کند.

اما تعریف رسول در اصطلاح: انسان آزادی که خدا او را به شریعت خبر داده، و او را امر به تبلیغ به سوی اقوام مخالف کرده است .

اما فرق بین نبی و رسول:

رسول خاص تر و ویژه تر از نبی است، و هر رسول نبی است، ولی هر نبی رسول نیست .

پس رسول امر تبلیغ شریعت به سوی مخالف دین خدا، با کسی که دین خدا را می‌داند فرستاده می‌شود .

ولی نبی با شریعت پیامبر قبل فرستاده می‌شود .

د - صفت پیامبران و نشانه های آنها:

از صفات پیامبران علیهم السلام این که بشرند، و به آنچه بشر از خوراک و نوشیدنی نیازمندند، احتیاج دارند، خداوند می‌فرماید:

[الأنبياء: آیه ۷].

[و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم].

هم چنان که آن چه به بشر از گرفتاری‌ها و مرض و مرگ می‌رسد، به آنها نیز مانند بقیه مردم خواهد رسید .

و هیچ ویژگی و خصلت ربوبیت و الوهیت ندارند، ولی آنها انسانهایی هستند که در خلقت ظاهری و اخلاق به درجه کمال رسیده اند.

آنان بهترین مردم از جهت نسب می‌باشند، و عقل برتر دارند، و زبان واضح و آشکاری که آنها را اهل تحمل رسالت می‌کند و

توانایی ایستادن در مقابل مشکلات نبوت را دارند.

و حکمت از فرستادن پیامبر، از خود بشر این است تا از جنس خود اقتدا و پیروی کنند، پس پیروی از رسول و پیروی به او در توانائی

و طاقت مردم است .

و از صفات پیامبران این است که خداوند آنها را به وحی اختصاص داده و مردم دیگر چنین نیستند، خداوند می‌فرماید: [الکهف: آیه

۱۱۰].

[بگو: من فقط بشری مانند شما هستم که به من وحی می‌شود که معبودتان، معبودی یکتاست].

و خداوند آنها را از بین مردم انتخاب کرده و برگزیده است، و می‌فرماید: [الأنعام: آیه ۱۲۴].

[خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد].

و از صفات پیامبران این که، از آنچه از خدا تبلیغ می‌کنند معصوم هستند، و در تبلیغ از خدا خطا و اشتباه نمی‌کنند، و در اجرای وحی

از خدا اشتباه نمی‌کنند .

و از صفات رسل: راستگویی است، پس پیامبران علیهم السلام در گفتار و کردار خود صادق می‌باشند، خداوند می‌فرماید: [یس: آیه ۵۲].

[این همان است که (خدای) رحمان وعده داده بود، و رسولان راست گفتند].

و از صفات آنها: صبر و شکیبایی است، پس رسولان بشارت دهنده و ترساننده بوده و به سوی دین خدا دعوت می‌کنند. و انواع اذیت و آزارها و رنج و سختی‌ها به آنان رسیده است، با این حال در راه برتری و بلندی کلمه الله صبر را تحمل کرده اند، خداوند می‌فرماید: [الأحقاف: آیه ۳۵].

[پس چنان که پیامبران اولو العزم شکیبایی ورزیدند، شکیبا باش].

اما نشانه های پیامبران، خداوند رسولان خود علیهم السلام را با معجزه های آشکار و دلیل های محکم که بر راستی آنها دلالت می‌کند، و صحیح بودن نبوت و رسالت را بیان می‌کند، تأیید کرده است.

پس بر دست پیامبران معجزه های خارق العاده که در توان بشر نیست اجرا نموده است، آن هم به سبب بیان صدق و اثبات نبوت آنان.

تعریف نشانه های پیامبران و معجزه های آنها:

کارهای خارق العاده ای است که خداوند به دست پیامبران و رسولان به صورتی که بشر از آوردن آن عاجز است.

و چند مثال از معجزه ها و نشانه ها: خبر دادن عیسی □ به قوم خود به آنچه می‌خورند، و آن چه در خانه هایشان ذخیره می‌کنند، و مانند تبدیل شدن عصای موسی به مار، و مانند شکافتن ماه توسط حضرت محمد □.

هـ - حکمت و فلسفه رسل و پیامبران چیست؟

خداوند رسولان را فرستادن تا مردم را به عبادت حق تعالی بشناسند، و آنها را به سوی خدای یکتا که هیچ شریکی ندارد دعوت کنند و آنها را فرستاد تا دین را برپا کنند، و از تفرقه و اختلاف نهی نمایند، خداوند می‌فرماید: [الشوری: آیه ۱۳].

[از دین آن چه که نوح را به آن فرمان داده بود، و آنچه که به تو وحی کرده ایم، و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرر داشت (با این مضمون) که: دین را برپا دارید و در آن اختلاف نوزید].

و آن ها را فرستاد تا مردم را بشارت دهند، و آنها را ترسانند، خداوند می‌فرماید: [الکھف: آیه ۵۶].

[و فرستادگان را بجز مژده آور و بیم دهنده نمی‌فرستیم].

و بشارت پیامبران و ترسانیدن آن ها در دنیا و آخرت می‌باشد، و آنها فرمانبرداران و اطاعت کنندگان را در دنیا به زندگی خوب بشارت می‌دهند، چنان که خداوند می‌فرماید: [النحل: آیه ۹۷].

[هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی‌ای پاک زنده می‌داریم].

و از عذاب و هلاک دنیایی دور می‌دارند، خداوند می‌فرماید: [فصلت: آیه ۱۳].

[پس اگر روی برگردانند، بگو شما را از (کیفر) صاعقه ای مانند صاعقه عاد و ثمود بر حذر می‌داریم].

و در آخرت اطاعت کنندگان را به بهشت و نعمتهای آن بشارت می‌دهند، خداوند می‌فرماید: [النساء: آیه ۱۳].

[هر کس از خداوند و رسول او فرمان برد، او را به بهشت هایی درآورد که از فرودست آن جویباران روان است که در آن جاودانه خواهند بود، و کامیابی بزرگ این است].

و مجرم و گناهکار را از عذاب آخرت می‌ترسانند، خداوند می‌فرماید: [النساء: آیه ۱۴].

[هر کس از خداوند و رسول او نافرمانی کند و از حدودش بگذرد، او را وارد آتش (جهنم) کند که در آن جاودانه خواهد بود، و عذابی خفت آور (در پیش) دارد].

و آنها را فرستاد تا برای مردم اسوه و پیشوای نیک باشد و روش و رفتار راست و استوار و اخلاق نیک و عبادت صحیح بیاموزند، خداوند می‌فرماید: □ 1 □ [الأحزاب: آیه ۲۱].

[به راستی برای شما، برای کسی که (پاداش) خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست].

و - ایمان به محمد □ نبی و رسول:

ایمان می‌آوریم به این که محمد □ او بنده و رسول خداست، و این که سید اولین و آخرین و خاتم انبیاست، که بعد از او پیامبری نیست .

رسالت را تبلیغ نمود، و امانت را ادا کرد، و امت را نصیحت فرمود، و در راه خدا به طور حق جهاد کرد .

و واجب است که در آنچه خبر داده او را تصدیق کنیم، و در آنچه امر فرموده از او اطاعت کنیم، و از آنچه نهی و دوری فرموده دوری ورزیم، و خدا را مطابق سنت او پرستش کنیم، و به او پیروی و اقتدا کنیم، نه به کسی دیگر، چنان که خداوند می‌فرماید:

[الأحزاب: آیه ۲۱].

[به راستی برای شما، برای کسی که (پاداش) خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست].

و واجب است که محبت او □ را بر محبت پدر و مادر و فرزند و تمامی مردم مقدم بداریم، چنان که در حدیث می‌فرماید: ((لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)). متفق علیه.

ایمان هیچ یک از شما کامل نمی‌شود تا این که من محبوب تر از پدر و (مادر) و فرزند و تمامی مردم نزد او باشم.

و دوستی راستین او، با پیروی از سنت او، و پیروی به راهنمایی اوست .

و سعادت حقیقی، و هدایت کامل تحقق نخواهد یافت مگر با اطاعت از او، چنان که خداوند می‌فرماید: [النور: آیه ۵۴].

[و اگر از او فرمان برید راه خواهید یافت، و بر (عهده) رسول (ما) جز پیام رسانی آشکار نیست].

بر ما واجب است که آنچه رسول الله ﷺ آورده قبول کنیم، و به سنت او مطیع شویم، و راهنمایی او مورد تکریم و تعظیم ما قرار گیرد، خداوند می‌فرماید: [النساء: آیه ۶۵].

[سوگند به پروردگارت، (در حقیقت) ایمان نیاورند مگر آن که در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند، آنگاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند].

و بر ماست که از مخالفت امر او بر حذر باشیم، چون مخالفت امر او سبب فتنه و گمراهی و عذاب دردناک خواهد بود، چنان که خداوند می‌فرماید:

[النور: آیه ۶۳].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار می‌کنند، از آن بر حذر باشند که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود].

ز - خوبی‌ها و ویژگی رسالت محمدی:

رسالت محمدی، از رسالات سابق و گذشته، چند ویژگی برتری دارد، که از جمله چنین است:

رسالت محمدی خاتمه و پایان رسالات گذشته می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [الأحزاب: آیه ۴۰].

[محمد (ﷺ) پدر هیچ کس از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است].

رسالت محمدی نسخ کننده و باطل کننده رسالات گذشته است .

پس خداوند از هیچ کس دینی قبول نمی‌کند مگر با پیروی از محمد ﷺ، و هیچ کس به نعمت بهشت نمی‌رسد مگر از طریق محمد

پس او گرامی‌ترین و بزرگترین پیامبران است، و امت او بهترین امتها، و شریعت او کاملترین شریعت هاست، خداوند می‌فرماید: [آل

عمران: ۸۵].

[و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان کاران است].

و رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ)). مسلم.

سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ کس از این امت یهودی و یا نصرانی باشد و از دین من بشنود سپس بمیرد و به

آنچه با آن فرستاده شده ام ایمان نیاورد مگر اینکه از اهل دوزخ می‌باشد.

رسالت محمدی عام و همگانی برای جن و انس است، خداوند می‌فرماید: [الأحقاف: آیه ۳۱].

[ای قوم ما (دعوت) دعوتگر الهی را بپذیرید].

و هم چنین می‌فرماید: [سبأ: آیه ۲۸].

[و تو را برای همه مردمان جز مژده آور و هشدار دهنده نفرستادیم].

رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتِّ: أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ طَهُورًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وَخُتِمَ بِي النَّبِيُّونَ)). مسلم.

بر انبیای دیگر به شش خصلت برتری گرفتیم: به من جوامع الکلم (کلماتی مختصر پر معنا) داده شده است، و از ترسیدن یاری شدم، غنایم جنگی برایم حلال شد، زمین برایم طاهر و جای نماز قرار داده شد، و برای تمامی خلق فرستاده شدم، و با من پیامبران ختم و پایان یافتند .

ج - آثار ایمان به پیامبران:

ایمان به پیامبران نتایج عظیمی دارد که از آن جمله چنین است:

۱ - علم و دانش به رحمت خداوندی و عنایت او به بندگانش، در حالی که پیامبران بر ایشان ارسال داشت تا آنها را به راه صحیح هدایت کنند، و به آنها چگونگی عبادت خدا را بیاموزند، چون عقل بشری به شناخت آن بر نخواهد آمد، خداوند در باره حضرت محمد می‌فرماید: [الأنبياء: آیه ۱۰۷].

[و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم].

۲ - شکر و سپاس خدا بر این نعمت بزرگ .

۳ - محبت تمامی پیامبران علیهم السلام و تعظیم و درود آنها به آنچه لایق آن هستند، چون به عبادت خدا و تبلیغ رسالت و نصیحت بندگان برخاستند .

۴ - پیروی از رسالتی که پیامبران از نزد خدا آورده اند، و عمل به آن، بنابر این برای مؤمنان در زندگی خیر و هدایت و سعادت در دنیا و آخرت تحقق خواهد یافت، خداوند می‌فرماید: [طه: آیات ۱۲۳-۱۲۴].

[هر کس که از هدایت من پیروی کند گمرا نمی‌شود و به رنج نیفتد . و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگانی‌ای تنگ خواهد داشت].

ایمان به روز آخرت:

گواه راسخ به این که روز آخرت خواهد آمد و هیچ شک و تردیدی در آن نیست، و انجام عمل و اسباب آن.

و در آن ایمان به اشراف الساعه (علامات قیامت) و نشانه های آن که قبل از روز آخرت خواهد آمد داخل می‌شود، و به مردن و آنچه بعد از آن از فتنه قبر و عذاب قبر و خوشی آن خواهد بود، و به دمیدن در شیپور و خارج شدن مردم از قبرها، و آنچه در زمین محشر

از هول و ترس، و شرح حال محشر، و پهن کردن نامه ها، و گذاشتن ترازوی اعمال، و پل صراط، و حوض و شفاعت، و غیر از این، و بهشت و نعمتهای آن، که بزرگترین این نعمت ها دیدن خداوند بزرگ است، و از آتش و عذاب دوزخ، که شدیدترین آن مانع شدن از دیدن خداوند عز وجل می باشد .

ب - کوشش قرآن برای این رکن و حکمت آن:

قرآن کریم در یادآوری و ذکر روز آخرت تلاش خاصی کرده است، و با اهتمام در هر موقع بیان آن را کرده است، و در هر مناسبتی به آن خبر داده است، و در وقوع آن به روشهای گوناگون با زبان عربی تأکید کرده است، و از انواع این اهتمام به این روز عظیم و بزرگ در قرآن این که ایمان به آن با ایمان به خدا ربط و پیوند داده است .

و مثال آن خداوند می فرماید:

[البقره: آیه ۲۳۲].

[این (حکمی است) که هر کس از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به آن پند داده شود].

و هم چنین از انواع آن این که قرآن آن روز را بسیار یاد می کند تا اینکه ممکن است در صفحه ای از صفحات آن عبور نکنی مگر اینکه سخنی از روز آخرت و آنچه از سختیها و احوال و چگونگی آن با روش های بسیار و گوناگون آمده، آورده است.

و از انواع این تلاش ها این که خداوند این روز را به نام های بسیار متعددی آورده که دلالت بر حقیقت وقوع این روز می باشد مانند: الحاقه(قیامت)، الواقعه(قیامت)، القیامه .

و بعضی از این نامها دلالت بر آنچه از هول و سختی این روز خواهد بود، مانند: الغاشیه(قیامت)، الطامه(روز رستاخیز)، الصاخه(بانگ گوش فرسا)، والقارعه(فرو کوبنده) .

و از نامهای روز قیامت در قرآن: یوم الدین، یوم الحساب، یوم الجمعة، یوم الخلود، یوم الخروج، یوم الحسره، یوم التناد ذکر شده است و اما حکمت از این اهتمام بیشتر به این رکن چنین است: ایمان به روز آخرت اثر شدید در توجیه انسان و انضباط و التزام او به عمل صالح و تقوی و پرهیزگاری دارد .

و به این حکمت اسلوب قرآن در ربط و پیوند بین ایمان به روز آخرت و عمل صالح در بسیاری از جاها اشاره می کند، چنانکه خداوند می فرماید: [التوبه: آیه ۱۸].

[فقط کسی مسجدهای خدا را آباد می کند که به خداوند و روز قیامت ایمان آورده است].

و هم چنین می فرماید: [الأنعام: آیه ۹۲].

[و کسانی که به آخرت ایمان آورند به آن (نیز) ایمان می آورند و آنان بر نمازشان پایبندند].

و ممکن است حکمت از این اهتمام بیشتر در خاطرنشان کردن و یادآوری روز قیامت بسیاری فراموشی بشریت است، و غفلت آنها به سبب سنگینی خود بر زمین و تنبلی و دوست داشتن خوشی دنیاست، پس ایمان به روز آخرت و به آنچه از عذاب و خوشی در آن است زیاده روی در محبت دنیا را کم می‌کند، و سبب رقابت در طاعات می‌باشد، خداوند می‌فرماید:

[التوبه: آیه ۳۸].

[ای مؤمنان، شما را چه شده است که چون به شما گفته شود: در راه خدا (برای جهاد) رهسپار شوید، با گرایش به دنیا کُند شدید؟ آیا به جای آخرت به زندگانی دنیا خشنود گشته اید؟ پس (بدانید که) متاع زندگی دنیا در (برابر) آخرت جز اندکی نیست].

هیچ چیز انسان را از سنگینی زمین بلند نمی‌کند بعد از ایمان به خدا، مگر ایمان به روز آخرت، ایمان به این که تمامی متاع و خوشی انسان در زندگی دنیا که از آن چشم می‌پوشد و دست می‌کشد - آن هم به سبب طاعت خدا و التزام امر او - و در عوض و جبران آن متاع و خوشی بالاتر و پاینده تر در آخرت خواهد بود، و ایمان در عین حال به این که، هر امری که از طاعت خدا در زندگی دنیا برای متاع فانی آن باشد، کیفر آن در آخرت عذابی دردناک و الیم خواهد بود .

و هنگامی که انسان به روز آخرت ایمان می‌آورد یقین دارد که هر خوشی در دنیا با خوشی آخرت مقایسه نمی‌شود، و هر عذابی در دنیا - در راه خدا - با عذاب آخرت مقایسه نمی‌شود، در آخر مقابل و برابر یک غرق شدن در خوشی آخرت نخواهد بود .

ج - فتنه قبر:

ایمان می‌آوریم که مرگ حق است، خداوند می‌فرماید: [السجده: آیه ۱۱].

[بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده شده است، جانتان را می‌ستاند، آنگاه به نزد پروردگارتان بازگردانده می‌شوید].

و این امری قابل دیدن است که هیچ کس نسبت به آن نادان نیست، و هیچ شک و تردیدی در آن نیست .

و ایمان می‌آوریم به این که هر کس مُرد و یا کشته شد و یا به نحوی از بین رفت، آن به سبب تمام بودن عمر اوست، و هیچ از عمر او کاسته نشده، خداوند می‌فرماید: [الأعراف: آیه ۳۴].

[و هنگامی که زمان (محدود) آنان به سر رسید، نه یک لحظه درنگ کنند، و نه پیشی گیرند].

و به فتنه قبر ایمان می‌آوریم: آن هم سؤال و پرسش مرده بعد از دفن از: معبود و دین و پیامبر اوست، خداوند مؤمنان را به سخن حق ثابت می‌گرداند، و مؤمن می‌گوید: معبود من خداست، دین من اسلام است، و پیامبر من محمد □ می‌باشد.

و ظالمین را در سخن گمراه می‌کند، و کافر می‌گوید: هاه هاه نمی‌دانم، و منافق و بدگمان و ملحد می‌گوید: نمی‌دانم، شنیدم مردم چیزی می‌گویند من هم همان را گفتم .

و ایمان می‌آوریم به عذاب قبر و خوشی آن، اما عذاب قبر برای ظالمین از منافق و کافر می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [الأنعام: آیه ۹۳].

او چون ببینی، آنگاه که ستمکاران در سكرات مرگ اند و فرشتگان دستان خود را گشاده اند (ومی‌گویند): جان هایتان را بیرون آورید (شگفت زده می‌شوی) امروز به (سزای) آنچه به ناحق بر خداوند می‌گفتید و (به سزای آن که) از آیاتش سرکشی می‌کردید، به عذاب خوار کننده کیفر داده می‌شوید].

و درباره آل فرعون می‌فرماید: [غافر: آیه ۴۶].

[آتش (دوزخ آنان را فروگرفت) که به هنگام صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا شود، (گوییم): فرعونیان را به سخت ترین عذاب در آورید].

و در صحیح مسلم از حدیث زید بن ثابت از رسول الله ﷺ روایت می‌شود که فرمودند: ((فَلَوْلَا أَنْ تَدَافِنُوا لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، فَقَالَ: تَعَوَّذُوا مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ)).

اگر دفن نمی‌شدید، دعا می‌کردم خداوند عذاب قبر را به شما نشان دهد، سپس رو به ما کرد و فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، گفتند: از عذاب قبر به خدا پناه می‌بریم، سپس آن را تکرار فرمود، و (یاران) هم آن را تکرار کردند .

و اما خوشی قبر بری مؤمنین صادق می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [فصلت: آیه ۳۰].

[کسانی که گفتند: پروردگاران خداست، آنگاه استوار ماندند، فرشتگان (با این پیام) بر آنان فرو می‌آیند که: نترسید و اندوهگین نباشید، و به بهشتی که وعده داده می‌شدید خوش باشید].

و هم چنین می‌فرماید [الواقعه: آیات ۸۳-۸۹].

[پس هنگامی که (جان‌ها) به حلقوم می‌رسد . و شما آنگاه می‌نگرید . و ما از شما به او (محتضر) نزدیک‌تریم ولی درک نمی‌کنید . پس اگر جزا نمی‌بینید . چرا اگر راستگو هستید آن (جان) را بر نمی‌گردانید؟ پس اما اگر از نزدیکان (درگاه الهی) باشد . آسایش و ریحان و باغ پرناز و نعمت دارد].

و از براء بن عازب □ از رسول الله □ در باره مؤمنی که در قبر به دو فرشته جواب می‌دهد چنین آمده: ((يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْبُسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ أَبَا إِلَى الْجَنَّةِ، قَالَ: فَيَأْتِيهِ مِنْ رُوحِهَا وَطَبِيبُهَا وَيَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدًّا بَصْرِهِ)).

[أحمد وأبو داود].

پس ندایی از آسمان به صدا می‌آید که: بنده من راست می‌گوید، پس از بهشت برای او فرش کنید، و از لباس های بهشت بر تن او کنید، و دری از بهشت بر وی باز کنید، رسولان فرمودند: پس از بهشت بوهای زیبا و خوب به مشام او می‌رسد، و قبرش وسعت پیدا می‌کند که طول آن آخرین نقطه ای است که مرده آنرا می‌تواند ببیند .

اخبار در عذاب و خوشی قبر برای کسی که اهل آن باشد و سؤال دو فرشته به طور مدام و پی در پی از رسول الله ﷺ ثابت شده است، پس معتقد بودن و ایمان آوردن به آن واجب است، اما در چگونگی آن سخن نمی‌گوییم چون عقل ما درک آن را ندارد، و مانند آن در دنیا نیست .

هم چنان که صفت و شکل و کیفیت قبر از امور غیبی است که حس به آن درک ندارد، و اگر حس به آن درک می‌کرد، فایده ایمان به غیب از بین می‌رفت، و حکمت آن نابود می‌شد، و مردم دفن نمی‌شدند، چنان که رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((فَلَوْلَا أَنْ لَا تَدَافِنُوا لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُسَمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَا أَسْمَعُ)) . [مسلم] .

اگر دفن نمی‌شدید دعا می‌کردم خداوند از عذاب قبر چیزی به شما بفهماند و بشنواند.

و هنگامی که این حکمت در باره حیوانات منتفی و نابود شد این عذاب را شنیدند و درک کردند.

د - نشانه های آخرت:

و آنچه ایمان به آن واجب است، ایمان به این که قیامت خواهد آمد، و هیچ شک و تردیدی در آن نیست، و وقت آن هیچ کس به جز خدا نمی‌داند، و آن را از همه مردم پنهان کرده است، خداوند می‌فرماید: [الأعراف: آیه ۱۸۷].

[در باره قیامت از تو می‌پرسند که چه وقت فرا خواهد رسید، بگو: علم آن فقط در نزد پروردگرم است، آن را جز او به هنگامش آشکار نمی‌سازد، علم آن از اهل آسمان ها و زمین بر نیاید، به طور ناگهان به سوی شما می‌آید، (چنان) از تو می‌پرسند که گویی تو از آن کاوش می‌کنی، بگو: علم آن فقط نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند].

و در باره بیان و نشانه های آخرت و علامات آن احادیث بسیاری از رسول الله ﷺ ثابت شده است .

و هم چنین ثابت است که برای آخرت نشانه های صغری است که بیشتر آن در پیرامون فساد مردم و ظهور فتنه ها بین آنان و انحراف آنها از راه مستقیم خبر می‌دهد .

و از علامت های صغری: آنچه در حدیث جبریل ﷺ آمده که از رسول الله ﷺ در باره آخرت پرسید، آن حضرت ﷺ در جواب

فرمودند: ((مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ، قَالَ: فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَمَارَتِهَا. قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا . وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاءَ، الْعَالَةَ، رُعَاءَ الشَّاءِ، يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ)) . متفق علیه.

در این مورد از من سؤال شده، دانا تر از تو نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت با خبر ساز، فرمود: آن که کنیز آقایش

را بزاید، (یعنی مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر بدانند). و آن که پا و تن برهنگان بینوا، و چوپانان گوسفندان را

بینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در ساختمان) بپردازند.

و از علامت های صغری مردی از رسول الله ﷺ پرسید: ((مَتَى السَّاعَةُ ؟ فَقَالَ: إِذَا ضَيَّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ . قَالَ: وَكَيْفَ إِضَاعَتُهَا ؟ قَالَ: إِذَا أُسْنِدَ الْأَمْرُ لِغَيْرِ أَهْلِهَا فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ)) . بخاری.

چه وقت قیامت می‌آید؟ در جواب فرمودند: اگر امانتداری از دست رفت و ضایع شد به انتظار قیامت باش، گفت از بین رفتن آن چگونه خواهد بود؟ فرمود: اگر امور (مردم) به کسی واگذار شد که اهل آن نبود (نمی‌تواند از مسؤولیت آن عهده دار شود) در انتظار قیامت باش.

اما علامت های کبری، آن هم علامت هایی است که نزدیک به قیام آخرت است و پشت سر هم به وقوع خواهد پیوست و پی در پی مانند مهره هایی که از نخ قطع شده بیفتند (مانند نخ تسبیح).

و از آن جمله حدیث حذیفه بن اسید الغفاری □ هنگامی که گفت: ((اطلع النبی □ علینا ونحن نتذاکر، فقال: ما تذاکرون؟ قالوا: نذکر الساعة، قال: إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْا قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ، فَذَكَرَ الدَّخَانَ وَالدَّجَالَ، وَالدَّابَّةَ، وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَنَزُولَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ □، وَيَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ، وَثَلَاثَ خُسُوفٍ: خُسُوفٍ بِالْمَشْرِقِ، وَخُسُوفٍ بِالْمَغْرِبِ، وَخُسُوفٍ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَأَخْرَ ذَلِكُ نَارَ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ)). [مسلم].

رسول الله □ بر ما نگاه کرد در حالی که صحبت می‌کردیم، و فرمود: چه سخنی می‌گویید؟ گفتند: از قیامت صحبت می‌کنیم، فرمود: به راستی که قیامت برپا نمی‌شود تا این که ده نشانه و علامت قبل از آن ببینید، پس در باره دودی که بر می‌خیزد، و دجال، و حیوانی که بر مردم بیرون می‌شود، و طلوع آفتاب از مغرب، و نازل شدن عیسی بن مریم، و قوم یاجوج و ماجوج، و سه خسف (فرو رفتن به زمین و ناپدید شدن) پدید آید، یک خسف در مشرق زمین، و دیگری در مغرب زمین، و سومی در جزیره العرب، و آخرین آن علامت ها، خارج شدن آتشی از یمن که مردم را به سوی زمین محشر سوق می‌دهد.

و ما برای مثال در باره یکی از این علامت ها سخن خواهیم گفت:

ظهور دجال، و دجال منشأ کفر و گمراهی است، و سرچشمه فتنه ها و ترس و بیم هاست، همه انبیاء اقوام خود را از آن ترساننده اند و امت های خود را از آن بر حذر داشته اند، و با صفت های ظاهر، او را توصیف کرده اند، و با وصف آشکار و درخشان او را توصیف نموده اند، و رسول الله □ از آن بر حذر داشته و او را به صورتی توصیف کرده که برای هر بیننده، پنهان نخواهد بود.

انس □ از رسول الله □ روایت می‌کند که: ((مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَدْ أَنْذَرَ أُمَّتَهُ الْأَعْوَرَ الْكَذَّابَ أَلَا إِنَّهُ أَعْوَرٌ وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَ فَ رَ)). متفق علیه.

هیچ پیامبری نبود مگر این که امت خود را از کور دروغگو ترساننده است، ت، بلی او کور است و خدای شما کور نیست، بین دو چشمس نوشته: ک ف ر (کفر).

و از ابی‌هریره □ روایت است که رسول الله □ فرمودند: ((أَلَا أَحَدُّكُمْ حَدِيثًا عَنِ الدَّجَالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ: إِنَّهُ أَعْوَرٌ، وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، فَالْتِي يَقُولُ إِنَّهَا الْجَنَّةُ هِيَ النَّارُ، وَإِنِّي أَنْذِرُكُمْ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ نُوحٌ قَوْمَهُ)). متفق علیه.

آیا شما را از دجال با خبر نکنم؟ که هیچ پیامبری از آن قوم خود را با خبر نکرده بود، او یک چشم دارد و در حالی می‌آید که مانند بهشت و دوزخ (آتش) همراه دارد، پس آنچه می‌گوید بهشت است، آن آتش است، و من شما را می‌ترسانم چنان که نوح قوم خود را ترساند .

و هیچ رهایی از فتنه دجال نیست مگر با علم و عمل، اما علم: باید بداند که دجال جسم است، می‌خورد و می‌آشامد، و پست و حقیر و ناتوان و کور است، و بین دو چشمش نوشته است: کفر .

و اما عمل: به این که از فتنه او در تشهد آخر هر نماز از او به خدا پناه ببرد، و این که ده آیه از اول سوره الکهف را حفظ نماید، چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: ((مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ)). مسلم.

هر کس ده آیه از اول سوره الکهف را حفظ کند، خداوند او را از فتنه دجال مصون و محفوظ می‌دارد .
هـ - بعثت و برانگیختن:

ایمان به برانگیختن از آنچه قرآن و سنت و عقل و فطرت و سرنوشت درست و سالم بر آن دلالت کرده است، پس به طور یقین ایمان می‌آوریم که هر کس در قبرهاست برانگیخته خواهد شد، و روح به اجساد بر خواهد گشت، و مردم برای خداوند قیام خواهند کرد، خداوند می‌فرماید [المؤمنون: آیات ۱۵-۱۶].

[سپس شما پس از این خواهید مرد . آنگاه قطعاً شما روز قیامت برانگیخته شوید].

و رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((يُخْشِرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاةَ عُرَاةٍ غُرُلًا)). [متفق علیه].

مردم روز قیامت پا برهنه و لخت و ختنه نشده حشر خواهند شد.

و مسلمانان بر ثابت بودن آن اجماع و متفق اند و آن هم موجب و خواهان حکمت است، در حالی که موجب می‌شود که خداوند برای

این خلایق و آنچه خدا آفریده بازگشتی دهد، و آنها را بر آنچه بر زبان پیامبران مکلف کرده، مجازات کند، خداوند می‌فرماید:

[المؤمنون: آیه ۱۱۵].

[آیا پنداشتید که ما شما را بی‌پهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟].

و کافران بعثت و برانگیختن بعد از مرگ را انکار کرده اند، به گمان آنها که این غیر ممکن است، و شرع و حس و عقل بر باطل بودن این گمان دلالت دارد .

اما شرع مطهر خداوند می‌فرماید: [التغابن: آیه ۷].

[کافران گمان بردند که برانگیخته نخواهند شد، بگو: آری، سوگند به پروردگرم به یقین برانگیخته خواهید شد، آنگاه از (حقیقت)

آنچه می‌کردید، به شما خبر خواهند داد، و این امر بر خداوند آسان است].

و هم چنین می‌فرماید: [سبأ: آیه ۳].

[و کافران گفتند: قیامت به سراغ ما نخواهد آمد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم، به یقین به سراغتان خواهد آمد، (به همان پروردگاری که) دانای غیب است].

و تمامی کتابهای آسمانی بر آن اتفاق کرده اند.

اما حس، خداوند بندگان خود را به زنده شدن پس از مرگ در چند سوره نشان می‌دهد، در سوره بقره پنج مثال آورده که اولین آن چنین است:

آن هم این که قوم موسی □ به او گفتند: هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا این که خدا را آشکارا ببینیم، پس خداوند آن ها را مرگ داد سپس زنده نمود، و در این باره خداوند خطاب به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: [البقره: آیات ۵۵-۵۶]

[و هنگامی که گفتید: ای موسی، هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه شما را در حالی که می‌نگریستید، فروگرفت. آنگاه شما را پس از مردنتان برانگیختیم تا مگر سپاس بگزارید].

و بقیه مثالها: مثال دوم قصه کشته شده ای که بنی‌اسرائیل در باره آن جدل کردند، پس خداوند به آنها امر کرد تا گاوی را بکشند سپس آن را به بعضی دیگر نسبت دهند تا به آن ها خبر دهد چه کسی او را کشته است.

و هم چنین قصه قومی که از دیار خود خارج شدند تا از مرگ فرار کنند، و خداوند آن ها را مرگ داد، سپس زنده نمود.

و مثال چهارم: قصه مردی که بر قریه ای عبور کرده از زنده شدن آنها محال دانست، پس خداوند صد سال او را مرگ داد سپس او را زنده کرد.

و مثال پنجم: قصه پرنده های ابراهیم □ . نگا سوره بقره آیه های (۲۶۰، ۲۵۹، ۲۴۳، ۷۳).

اما دلالت عقل بر امکان بعثت به دو صورت می‌باشد:

۱ - یکی اینکه خداوند آفریننده آسمان ها و زمین و آنچه در آن می‌باشد، و آغاز و پیدایش آن است، و کسی که قادر بر آغاز و

نخستین خلق است، از بازگردانیدن آن عاجز و ناتوان نیست، خداوند می‌فرماید: [الروم: آیه ۲۷].

[و اوست کسی که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند].

و خداوند در برابر کسی که زنده شدن استخوانی پوسیده را انکار کرد فرمود: [یس: آیه ۷۹].

[بگو: کسی آنها را زنده می‌کند که نخستین بار آنها را پدید آورده است، و او به هر آفرینشی دانا است].

۲ - دوم این که زمین مرده و بی‌حرکت بود و در آن درختی سبز وجود نداشت، خداوند باران فرود آورد، پس زمین تکان خورده زنده

و سبز و خرم می‌شود، و هر چیز جفت می‌گیرد، و کسی که بر زنده کردن آن پس از مردن تواناست، پس بر زنده کردن مردگان نیز

قادر است، خداوند می‌فرماید: [ق: آیات ۹-۱۱].

او از آسمان آبی پربرکت فرستادیم و با آن باغها و دانه های درو کردنی رویاندیم . و درختان بلند خرما که آن میوه ای انباشته بر هم دارد . (آن را) برای روزی بندگان (آفریده ایم) و با آن سرزمین پژمرده را زنده کرده ایم، رستاخیز (نیز) بدین سان است].
و هر عاقلی می‌داند کسی که بر چیزهای بزرگ تواناست، بر چیز کوچکتر تواناتر می‌باشد .

و خداوند پاک و منزّه آسمان ها و زمین را با بزرگی و وسیع بودن و شگفتی آن ها آفرید، پس او تواناتر است که استخوانی پوسیده را زنده کند، خداوند می‌فرماید: [یس: آیه ۸۳].

[آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است، توانا نیست بر آن که مانند آنها بیافریند؟ چرا، و هم اوست آفریننده دانا].
و - روز جزا و حساب و خواندن نامه خود:

و به روز جزا و پاداش ایمان می‌آوریم، در حالی که مردم بر خدای خود عرضه می‌شوند، خداوند می‌فرماید: [الحاقه: آیات ۱۵-۱۸].
پس آن روز قیامت وقوع یابد . و آسمان بشکافد، که آن در چنان روزی سست پیوند است . و فرشتگان بر کناره های آن خواهند بود، و آن روز هشت (تن از فرشتگان) عرش پروردگارت را بر پشت شان برمی‌دارند . در آن روز پیش آورده می‌شوید، از (کار و بارتان) هیچ نهفته ای نماند].

و هم چنین می‌فرماید:

[الکهف: آیه ۴۸].

[و (آنان) صف بسته به حضور پروردگارت آورده شوند، (خداوند می‌فرماید:) به راستی چنان (نزد) ما آمدید که نخستین بار شما را آفریده بودیم].

و به حساب و جزا ایمان می‌آوریم در حالی که خدا مردم را مجازات می‌کند و با بنده مؤمن خود خلوت کرده و گناهان او را به او یادآوری می‌کند، چنان که در قرآن و سنت وارد شده است.

ولی کافران نیکی آنها وزن نمی‌شود، چون حسنات و نیکی ندارند، و اعمال آنها شمرده شده و به آنها نشان داده می‌شود، و به آن اقرار و اعتراف می‌شوند، خداوند می‌فرماید: [الانشقاق: آیه های ۶-۱۵].

[ای انسان، تو تا (زمان دیدار) پروردگارت در تلاشی سخت خواهی بود آنگاه به لقای او خواهی رسید، پس اما کسی که

نامه(کردارش) به دست راستش داده شود . (به زودی) به حسابی آسان محاسبه می‌شود . و شادمان به سوی خانواده اش برمی‌گردد

. و اما کسی که نامه(کردارش) از پشت سر به او داده شود . نابودی را خواهد طلبید . و به دوزخ در می‌آید . بی‌گمان او در (میان

خاندان خود شادمان بود . به راستی او پنداشته بود که (در قیامت) برنگردد. آری (بر خواهد گشت) بی‌گمان پروردگارش به او بینا

بود].

و بخاری از عایشه رضی الله عنها از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((لَيْسَ أَحَدٌ يُحَاسِبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هَلَكَ . فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّمَا ذَلِكَ الْعَرَضُ، وَلَيْسَ أَحَدٌ يُنَاقَشُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَذَّبُ)). بخاری.

هیچ کس روز قیامت محاسبه نمی‌شود (یعنی: گناهش بر او شمرده نمی‌شود) مگر این که هلاک می‌شود، پس گفتیم: ای رسول خدا! مگر خداوند نفرمودند که: اما کسی که نامه کردارش به دست راستش داده شود، به حسابی آسان محاسبه می‌شود؟ رسول الله ﷺ فرمودند: این وقتی گناهان بر شخص عرضه شود، ولی هیچ کس روز قیامت مناقشه نشود (و گناهانش بر او شمرده نشود) مگر این که عذاب بیند .

و ایمان می‌آوریم که هر انسان نامه اعمالش را به او می‌دهند، و هنگامی که مؤمن از آنچه در این نامه از توحید و اعمال صالح مطلع شد، شاد و خوشحال می‌شود، و شادی خود را آشکار می‌کند، خداوند می‌فرماید: [الحاقه: آیه های ۱۹-۲۴].
[پس اما کسی که کارنامه اش به دست راست او داده شود، می‌گوید: بگیری، کارنامه ام را بخوانید . من یقین داشتم که من به حسابم خواهم رسید . پس او در زندگانی پسندیده ای خواهد بود. در بهشتی برین . که میوه اش در دسترس است . و به (پاداش) آنچه در روزگاران گذشته پیش فرستاده اید، گوارا بخورید و بیاشامید].

ولی کافر و منافق و گمراهان نامه آنها را با دست چپ از پشت سرشان به آنها می‌دهند، در این حال کافر بر خود نفرین کرده و او را می‌گوید، خداوند می‌فرماید: [الحاقه: آیه های ۲۵-۳۱].

[و اما کسی که کارنامه اش به دست چپ او داده شود، گوید: ای کاش کارنامه ام به من داده نمی‌شد . و نمی‌دانستم حساب (کارم) چیست . ای کاش مرگ یکسره کننده بود . مالم در حق من سودی نبخشید . فرمانروایی ام از (دست) من رفت (و نابود شد) . (به فرشتگان گفته شود): او را بگیری و (به گردن) او طوق اندازید . سپس او را به دوزخ افکنید].

ز - ترازوی اعمال و پل صراط:

و به ترازوی اعمال ایمان می‌آوریم، خداوند می‌فرماید: [الأنبياء: آیه ۴۷].

[و در روز قیامت ترازوهای دقیق را در میان نهیم و کسی هیچ ستمی نبیند و اگر (عمل نیک و بد هر شخص) هموزن دانه خردلی باشد، آن را (در میان) می‌آوریم و ما حسابرسی را کفایت می‌کنیم].

و در حدیث آمده که ترازوی اعمال دو کفه دارد که احساس و مشاهده می‌شود .

و وزن اعمال بعد از تمام شدن حساب خواهد شد، چون محاسبه پس از تقدیر اعمال است، و وزن آن برای ظاهر شدن وزن آن است، تا این که پاداش به مقدار وزن آن باشد .

و ایمان می‌آوریم به پل صراط، آن هم پلی است که بین بهشت و دوزخ نصب شده است تا تمامی مردم از آن پل به مقدار عمل خود از آن عبور کنند .

کسانی هستند که مانند چشم به هم زدن عبور می‌کنند، و کسانی هستند که مانند برق عبور می‌کنند، و بعضی مانند وزش باد، و بعضی مانند اسبی تندرو، و بعضی مانند سواری شتر، و بعضی دیگر می‌دوند، و بعضی دیگر راه می‌روند، و بعضی دیگر می‌خزند، و بعضی دیگر ربوده شده و به دوزخ انداخته می‌شوند، و بر پل صراط قلاب و چنگال هائی است که مردم را به وسیله اعمال و کردارشان می‌ربایند، پس هر کس از پل صراط عبور کرد به بهشت داخل می‌شود .

و باید دانست که هر کس در دنیا بر صراط الله که دین حق خداست استقامت و پایداری کرد، در آخرت بر پل صراط پایداری خواهد کرد، و هر کس از راه مستقیم خدا در دنیا کج شد، پس بر پل صراط پایداری نخواهد کرد .

و نزد پل صراط در روز آخرت منافقین با مؤمنین از هم جدا خواهند شد، و با آنها مخالفت خواهند کرد، و مؤمنان بر آنها سبقت و پیشی خواهند گرفت، و بین مؤمنان و منافقان به وسیله دیواری جدا شده که مانع رسیدن منافقین به سوی مؤمنین خواهد شد .

ج - بهشت و دوزخ:

به بهشتی که خداوند برای مؤمنان، و دوزخی که برای کافران آماده ساخته، ایمان می‌آوریم، بهشت و دوزخ هر دو حق اند، و هیچ شک و تردیدی در آن دو نیست .

دوزخ خانه دشمنان خدا، و بهشت خانه دوستان خداست .

خداوند می‌فرماید: [البقره: آیات ۲۴-۲۵].

[پس اگر (چنین) نکرديد - و به يقين نتوانيد کرد - از آتشی بپرهيزيد که هيضمش مردم و سنگها خواهند بود، برای کافران آماده شده است. و به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، مژده ده که آنان باغ هایی دارند که از فرودست آن جویباران روان است، هرگاه از آنجا از فرآورده ای روزی یابند، گویند: این همان است که از قبل روزی یافته بودیم، و آن (روزی برای آنان) همانطور آورده شود و آنان در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و آنان در آنجا جاودانه اند].

وصف و چگونگی بهشت و دوزخ، و خوشی و عذاب آن در مواضع بسیاری از قرآن آمده است، و هم چنان که ذکر بهشت آورده شود، پس از آن ذکر دوزخ می‌آید، و عکس آن، هرگاه ذکر دوزخ آورده شود، پس از آن ذکر بهشت می‌آید، و گاهی به بهشت تشویق کرده و مردم را به سوی آن دعوت می‌کند، و از دوزخ ترسانیده و مردم را از آن بر حذر می‌دارد .

گاهی از آنچه برای مؤمنان و اولیا در بهشت از خوشی آماده کرده خبر میدهد، و از آنچه از عذاب و شکنجه برای دشمنان خدا مهیا ساخته، خبر می‌دهد .

اعتقاد داشتن به این که هر خیر و شر به قضا و قدر خداست، و این که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد، و هیچ چیز نمی‌شود مگر با اراده و مشیت خدا، و هیچ چیز از مشیت او خارج نمی‌شود، و هیچ چیز در دنیا از تقدیر و سرنوشت او خارج نیست، و هیچ چیز صادر نمی‌شود مگر با تدبیر او، و هیچ کس از سرنوشت کنار نخواهد رفت، و از آنچه در سرنوشت انسان نوشته تجاوز نخواهد کرد، و این که خداوند خالق و آفریننده افعال بندگان و طاعات و معاصی آنهاست، با این حال به آنها امر و نهی کرده است، و به آنها در اعمال و کردار خود اختیار داده است، و آنها را مجبور نکرده است، بلکه آنچه به وسیله توانایی و مشیت خود انجام می‌دهند واقع می‌باشد، هر کس را بخواهد با رحمت خود هدایت می‌کند، و هر کس را بخواهد با حکمت خود، او را گمراه می‌کند .
خداوند هیچ از اعمال و کردار او پرسیده نمی‌شود، در حالی که بندگان پرسیده خواهند شد .

ایمان به قضا و قدر یکی از ارکان ایمان است، چنان که رسول الله ﷺ به سؤال جبریل پاسخ داده فرمودند: ((أَنْ تُوْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)). مسلم.

ایمان عبارت است از این که: به خدا و فرشتگان خدا و کتاب ها و فرستادگان خدا و روز قیامت و به سرنوشت خیر و شر آن ایمان بیاوری.

و رسول الله ﷺ فرمودند: ((لَوْ أَنَّ اللَّهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمَاوَاتِهِ وَأَهْلَ أَرْضِهِ لَعَذَّبَهُمْ غَيْرَ ظَالِمٍ لَهُمْ، وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ لَهُمْ خَيْرًا مِنْ أَعْمَالِهِمْ، وَلَوْ كَانَ لَكَ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ ذَهَبًا أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا قَبِلَهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ، وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَأَنَّ مَا أَخْطَاكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ، وَأَنَّكَ إِنْ مِتَّ عَلَى غَيْرِ هَذَا دَخَلْتَ النَّارَ)). رواه أحمد .

اگر خداوند اهل آسمان و زمین را عذاب دهد، به آنها ظلم نکرده است، و اگر به آنها رحمت کند، رحمت او از اعمال و کردار آنها بهتر است، و اگر مانند کوه احد طلا داشتی و آن را در راه خدا انفاق نمودی، آن را از تو قبول نخواهد کرد تا این که به سرنوشت ایمان بیاوری، و بدانی آن چه برای تو بود، ممکن نیست به تو نرسد، آن چه برای تو نبود، هرگز به تو نمی‌رسد، و اگر بر غیر از این بمیری به دوزخ داخل شوی .

قَدْرٌ به فتح دال است، یعنی: سرنوشت، و تقدیر خدا برای موجودات به آنچه علم او به آن بیشتر و بالاتر است و حکمت او به آن واجب گشته است .

ب - مراتب ایمان به قدر (سرنوشت):

۱ - ایمان به این که خداوند به همه چیز به طور اجمالی و تفصیلی داناست، و این که خداوند قبل از این که خلق را بیافریند به روزی و عمر و سخنان و کارهای آنها آگاه است، و تمامی حرکات و سکنت و نهان و آشکار آنها، و به بهشتیان و دوزخیان آنها آگاه است .

[و نمی‌خواهید مگر آن که خدا بخواهد].

زیرا هستی، همه ملک خداست، و هیچ چیز در ملک او بدون علم و مشیت او نخواهد بود .

و ایمان به قدر و سرنوشت بر آنچه گذشت به بنده اجازه نمی‌دهد که اوامر خدا و یا نواهی او را ترک کند، به حجت سرنوشت، و هر

کس با انجام معصیت و گناه به قضا و قدر دلیل بیاورد از چند وجه این دلایل باطل است:

۱ - رسول الله ﷺ فرمود: ((مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا قَدْ كُتِبَ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ وَمَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَلَا نَتَكَلَّى يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا، اَعْمَلُوا فِكُلُّ مَيْسَرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ)). متفق علیه.

هیچ یک از شما نیست مگر این که جایگاهش در دوزخ یا بهشت نوشته شده است، یکی از یاران گفت: آیا به خدا توکل نکنیم و

انجام عمل را ترک کنیم؟ فرمود: نه، عمل را انجام دهید، زیرا هر کس آنچه بر او نوشته شده انجام می‌دهد .

پس رسول الله ﷺ به انجام عمل امر، و از عدم آن نهی فرمودند .

۲ - این که خداوند متعال به بنده امر و نهی کرد و او را به آنچه طاقت و توانایی آن را دارد امر و نهی فرمود، خداوند می‌فرماید:

﴿...﴾ [التغابن: آیه]

[پس تا (حدی) که می‌توانید از خداوند پروا بدارید].

و اگر بنده بر عمل خود مجبور بود این یک نوع عمل طاقت فرسا است، در حالی که توانایی آنرا ندارد، و این باطل است، به همین

سبب اگر گناهی به طور نادانی و فراموشی یا اجبار انجام داد، گناهی بر او نیست، چون معذور است .

۳ - این که قضا و قدر خدا رازی پنهانی است، و کسی آن را نمی‌داند، مگر بعد از وقوع آن چیز، و اراده و مشیت بنده بر عمل او

برتری دارد، پس اراده بنده و مشیت او به علم خدا آگاهی ندارد، در این حال دلیل آوردن او به این که این سرنوشت من بود باطل

می‌شود، چون هیچ دلیلی برای بنده در آنچه به آن آگاهی ندارد، نیست .

اگر گناهکار اعتراض کرد و گفت: گناهی که من انجام می‌دهم بر من نوشته شده، در جواب گفته می‌شود: قبل از انجام گناه، تو از

علم خدا چه می‌دانستی که بر تو نوشته است؟

پس هنگامی که نمی‌دانی و قدرت و اختیار داری و برای تو راه خیر و شر واضح و آشکار است، در این حال اگر گناهی انجام دادی با

اختیار خود آن انجام می‌دهی، و گناه را بر طاعت ترجیح داده‌ای، پس کیفر آن گناه را تحمل کن .

۴ - کسی که به قضا و قدر دلیل می‌آورد برای ترک واجبات، یا انجام گناهان، اگر شخصی به او ستم کرد و مال او را گرفت، و ناموس او را هتک کرد سپس شخص ستم کار به قضا و قدر دلیل می‌آورد، و می‌گوید مرا ملامت مکن، چون ستم من به تو از روی قضا و قدر بوده است، دلایل او قبول نمی‌شود، پس چرا دلایل او در ستم دیگری به او قبول نمی‌شود، و دلیل نمی‌آورد برای خود که به حق خدا ستم و ظلم کرده است .

د - آثار ایمان به قدر:

ایمان به قدر در حالی که از عقیده می‌باشد، ایمان به آن واجب، و رکنی از ارکان ایمان است، که منکر آن کافر می‌شود .
و تأثیر محسوسی در زندگی مردم دارد که از آن جمله چنین است:

۱ - سرنوشت از بزرگترین انگیزه‌هاست که فرد را به عمل و سعی و کوشش به رضا و خشنودی خدا در این دنیا وادار می‌کند، و ایمان به قدر از بزرگترین تشویق و مشوق کننده برای مؤمن است که عمل انجام دهد، و بر کارهای بزرگ در خیر با استواری و یقین پیش قدم شود .

مؤمنان مأمورند که به وسیله انگیزه با توکل به خدا تکیه زنند، و ایمان بیاورند که انگیزه‌ها نتایج نخواهد یافت مگر به اجازه خدا، چون خداوند است که سبب‌ها و انگیزه‌ها، و نتیجه‌ها را آفریده است .

رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، اِحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنُ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ لَكَانَ كَذَا وَكَذَا، وَ لَكِنْ قُلْ قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ)).
رواه مسلم.

مؤمن قوی بهتر و محبوب تر نزد خداست از مؤمن ضعیف، و در هر دو خیر است، (مؤمن قوی و ضعیف)، در آنچه به تو نفع

می‌رساند حریص باش، و از خدا کمک بخواه، و عاجز مباش، و اگر به تو بدی رسید، نگو اگر من این کار را نکرده بودم، چنین یا

چنان نمی‌شد، لیکن بگو این قضا و قدر خداست، و آن چه خدا خواست، شد، (قدر الله وما شاء فعل) چون کلمه (اگر) دروازه شیطان را باز می‌کند.

و هنگامی که مسلمانان خواستند کارهای انجام داده خود را با جهاد در راه خدا تغییر دهند، اسباب و انگیزه‌های جهاد را به طور کلی

انجام دادند، سپس به خدا توکل کردند، و نگفتند: خداوند پیروزی مسلمانان و شکست کافران را سرنوشت کرده است، سپس به این

گفته خود اکتفا کردند، و از آمادگی جهاد و صبر و شکیبایی و رفتن به صحنه جنگ دست کشیدند! نه، بلکه تمامی این امور را انجام

دادند، و خداوند آنها را پیروز کرد، و به وسیله آنها به اسلام عزت بخشید .

۲- از تأثیر ایمان بر سرنوشت این که انسان قدر و منزلت خود را بداند، پس به طور کلی تکبر و غرور و خود خواهی را کنار بگذارد، چون از شناخت سرنوشت و آینده خود عاجز و ناتوان است، و در این حال انسان به عجز و ناتوانی خود و احتیاج او به خدای متعال همیشگی است .

۳- انسان اگر خیری به او رسید مغرور می‌شود، و اگر شر و بدی به او رسید ناله و زاری می‌کند، و از غرور و طغیان در حال خیر و دلتنگی، و ناله و زاری در حال شر معصوم نیست، مگر به ایمان به سرنوشت، و به این که آن چه حاصل شده و رخ داده در علم خدا نوشته شده است .

یکی از نیاکان و گذشتگان صالح می‌گوید: هر کس به قضا و قدر ایمان نیاورد، زندگی او به خوبی نمی‌گذرد .

۴- ایمان به قضا و قدر بسیاری از گناهان را که به جوامع مردمی رسیده و بین مؤمنان حسد کاشته بر طرف می‌کند، چون مؤمن به آنچه خداوند از برتری‌ها به دیگران داده حسد نمی‌ورزد، زیرا خداست که به آنها داده و برای‌شان سرنوشت کرده است، و مؤمن می‌داند هنگامی که بر دیگری حسد می‌ورزد، در حقیقت به قضا و قدر خدا اعتراض کرده است .

۵- ایمان به قضا و قدر در قلب‌ها در مقابل شداید، شجاعت می‌افکند، و اراده‌ها را قوی می‌گرداند، و در میدان جنگ ثابت و استوار می‌گرداند، و از مرگ نمی‌ترسد، چون یقین دارد که اجل و عمر او محدود است، نه یک لحظه زود، و نه یک لحظه دیر می‌کند، و هنگامی که این عقیده در قلب و دل مؤمنان راسخ و استوار شد، در جنگ و جهاد ثابت قدم می‌ماند و در پیروزی جهاد اراده می‌کند، و به میدان و معرکه جهاد آمدند در حالی که بهترین درس‌های عبرت در پایداری و استواری در مقابل دشمن داشتند، اگر هم این دشمنان قویترین مردم، و اگر هم تعداد آنها زیاد باشد، چون یقین داشتند که هیچ مصیبت و بلایی به انسان نمی‌رسد مگر این خدا برای او نوشته باشد .

۶- ایمان به قضا و قدر در نفس مؤمن انواع ایمان را می‌کارد، پس او همیشه از خدا یاری می‌طلبد، با انجام اسباب به خدا اعتماد و توکل می‌کند، و هم چنین او همیشه نیازمند به خداست و در پایداری به حق، از او کمک و یاری می‌خواهد .

و هم چنین او بخشنده و نیکی به دیگران را دوست دارد، و می‌بینی که به سوی دیگران مهربان بوده و نیازهای آنها را برآورده می‌کند .

۷- از ایمان به قضا و قدر این است که دعوت کننده به سوی خدا به طور آشکارا در مقابل کافران و ستمکاران می‌ایستد، و از هیچ کس غیر از خدا نمی‌ترسد، و برای مردم حقیقت ایمان و واجبات آن را بیان می‌کند، هم چنان چگونگی کفر و نفاق را بیان کرده از آن بر حذر می‌دارد .

سخنان حق را مقابل ستمکاران می‌گوید، و فرد مؤمن همه اینرا انجام می‌دهد در حالی که او در ایمان خود پایدار و مطمئن به خداست، و به او توکل دارد .

و در آنچه از بلاها به او می‌رسد شکیبیا است، چون یقین دارد که عمر و روزی انسان در دست خداست، و این که بندگان هیچ چیز ندارند، اگر هم برای آنها قوی‌ترین چیزها و کمک‌های بسیاری بر آنها بیاید .
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.